

منجک

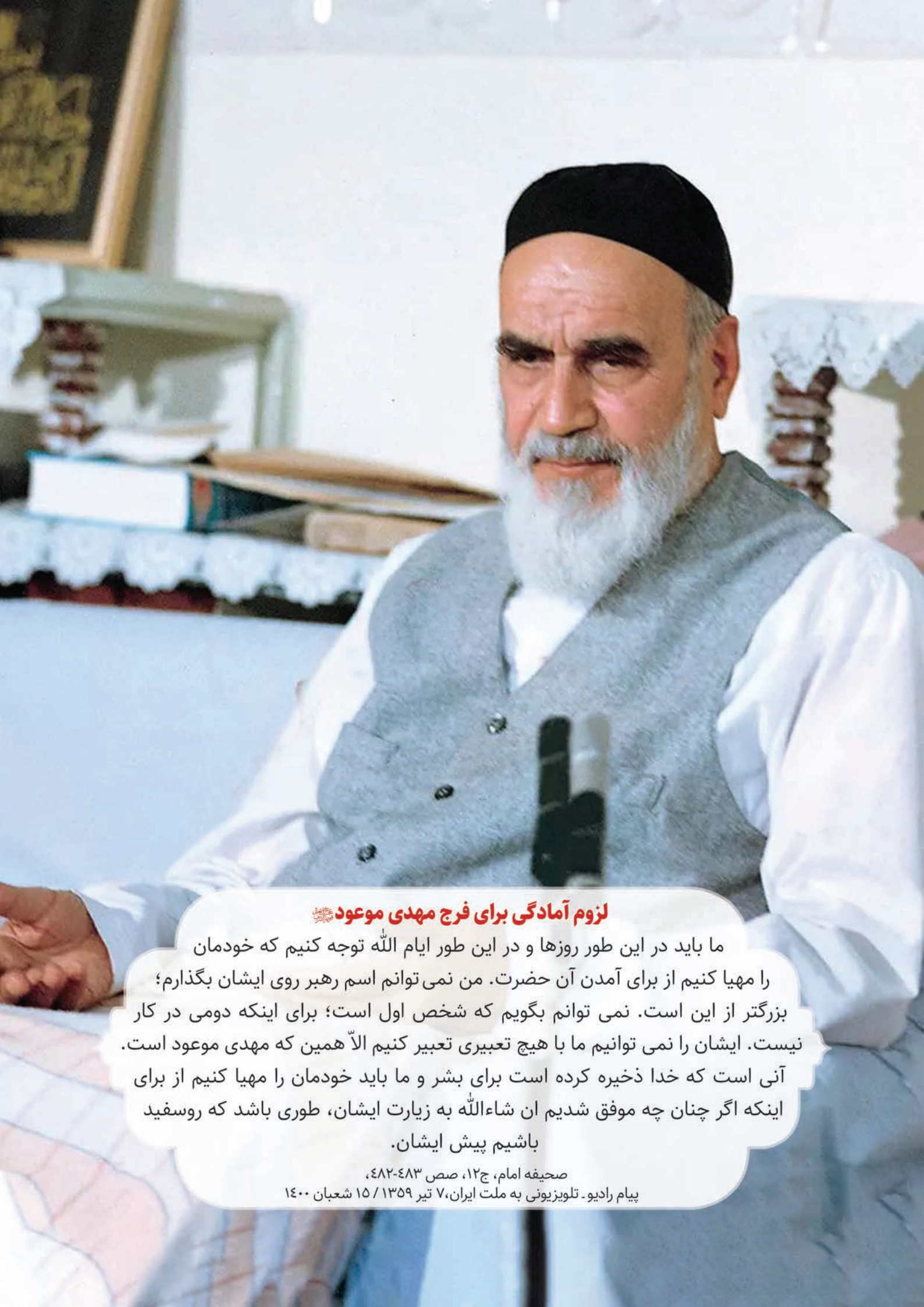
سال چهاردهم / شماره ۶۷ / بهمن ماه ۱۴۰۲

ویژه نامه سومین همایش ملی

مکتب ولایت و انقلاب اسلامی

- * انتظار در کلام امامین انقلاب
- * چگونگی شکل گیری حاکمیت جهانی اسلام
- * کلید واژه های بیانیه ی گام دوم
- * تشکیل حکومت اسلامی قبل از ظهور آری یا نه!؟
- * مشت نمونه خروار
- * جنگ ترکیبی





لزوم آمادگی برای فرج مهدی موعود

ما باید در این طور روزها و در این طور ایام الله توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت. من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم؛ بزرگتر از این است. نمی توانم بگویم که شخص اول است؛ برای اینکه دومی در کار نیست. ایشان را نمی توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الا همین که مهدی موعود است. آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر و ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنان چه موفق شدیم ان شاءالله به زیارت ایشان، طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان.

صحیفه امام، ج ۱۲، صص ۴۸۳-۴۸۲،
پیام رادیو. تلویزیونی به ملت ایران، ۷ تیر ۱۳۵۹ / ۱۵ شعبان ۱۴۰۰



ماهنامه **منبر** / بهمن ۱۴۰۲ / شماره ۶۷

صاحب امتیاز: بنیاد و مؤسسه فرهنگی

حضرت مهدی موعود عج فارس

مدیرمسئول: استاد حاج شیخ علیرضا حدائق

سردبیر: حجت الاسلام محمدحسین حدائق

هیأت تحریریه: فرزانه نادری

محمدعلی غیبی و سعید آزاده

تشکر ویژه از جناب آقای حامد صالحی مسئول

روابط عمومی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج

کشور، بابت پیگیرهای مجدانه ایشان

شیراز، کوی زهرا سجده، نبش کوچه ۸، روبروی

دبستان شهیدان اتحادی، بنیاد و مؤسسه

فرهنگی حضرت مهدی موعود عج فارس



شیراز

از علاقه مندان به مطالب مهدوی دعوت به

عمل می آید جهت استفاده از مطالب متنوع

مهدوی به سایت www.bonyademahdi.com

مراجعه نمایید.

شماره تماس: ۰۷۱-۳۷۲۵۵۸۵۱

فهرست مطالب

- مهمترین هدف انقلاب ۴
- درمحضر شهدا ۵
- انتظار در کلام امامین انقلاب ۸
- انقلاب اسلامی زمینه ساز ظهور آری یا نه؟ ۱۱
- مشت نمونه خروار ۱۴
- آینده امیدبخش ۱۶
- قله ۱۸
- خاطرات شیرین ۲۱
- ویژگی های منحصر به فرد انقلاب ۲۲
- آمادگی ۲۴
- جنگ ترکیبی ۲۶
- کلام دلنشین ۲۸
- کوتاه اما شنیدنی ۳۱
- چگونگی شکل گیری حاکمیت جهانی اسلام ۳۴
- آینده دین مدارانه ۳۶
- تا دولت کریمه ۳۸
- کلیدواژه های بیانیه گام دوم ۴۰
- تشکیل حکومت اسلامی قبل از ظهور آری یا نه؟ ۴۲
- اندکی درنگ ۴۴
- شفا ۴۶
- قصه پر غصه فلسطین ۴۸
- گزارش تصویری ۵۱

مهمترین هدف انقلاب

درباره انقلاب جهانی حضرت مهدی عج همواره این پرسش مطرح بوده است که آیا ما علاوه بر انتظار فرج و چشم به راه بودن برای ظهور آن حضرت، وظیفه‌ای در آماده‌سازی زمینه ظهور داریم یا خیر؟ در این جا دو برداشت از مفهوم انتظار، مطرح می‌شود. در برداشت اول برخی بر این باورند که ما وظیفه‌ای در این زمینه نداریم؛ زیرا ظهور حضرت، تنها در گرو اذن خداوند است و هر زمان که اراده الهی به این امر تعلق گیرد، ظهور واقع می‌شود. بنابراین انسان‌ها نقشی در جلو یا عقب انداختن ظهور و زمینه‌سازی برای آن ندارند. در مقابل این برداشت، برداشت دوم مطرح می‌شود که این افراد معتقدند زمینه‌سازی برای ظهور و فراهم آوردن شرایط تشکیل حکومت جهانی منجی موعود، از وظایف انکارناپذیر منتظران است و مردم می‌توانند با اعمال شایسته خود، ظهور حضرت مهدی عج را نزدیک‌تر نمایند. امام خمینی ره نظر و برداشت دوم را قبول داشتند و در سراسر دوران مبارزات خود، همواره بر وظایف و تکالیف همگانی برای زمینه‌سازی ظهور تأکید می‌کردند. دقیقاً بر اساس همین نظر بود که ایشان حرکت خود را در سال ۴۲ آغاز کرده و سرانجام هم به پیروزی رساندند.

پس می‌توان گفت انقلاب اسلامی از یک طرف، ریشه در باور مهدویت و مبانی انتظار شیعی دارد، یعنی هر قدر در تبیین فرهنگ مهدویت و انتظار و تأثیر آن بر شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بکوشیم، در واقع موجب تقویت پایه‌های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی شده ایم. از طرف دیگر، چون باور مهدویت و فرهنگ انتظار، در چند دهه اخیر متأثر از دیدگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی و به مدد جریان انقلاب اسلامی بوده است، پرداختن به نقش انقلاب اسلامی در احیای فرهنگ انتظار و تأثیر نهضت امام خمینی ره بر این فرهنگ، می‌تواند موجب رشد و ارتقا و تعمیق انتظار پویا و سازنده در ایران و جهان شود. به مدد همین اندیشه ژرف و افکار بلند رهبر کبیر انقلاب، فرهنگ مهدویت و انتظار که تا پیش از این، هم معنا با سکون و سکوت، پذیرفتن وضع موجود و بی‌تفاوتی در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی بود، به عنوان فرهنگی پویا و حرکت‌آفرین و پشتوانه نظری مستحکم برای تشکیل حکومت صالحان در عصر غیبت مطرح شد.

امام راحل ره با ژرف اندیشی تمام و با پشتوانه عظیم اعتقاد به انقلاب جهانی حضرت حجت عج، مسئولان نظام را از اینکه تنها به ایران بیندیشند، برحذر داشته و می‌فرمودند: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا له الفداء - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.^۱

از این رهنمود به خوبی استفاده می‌شود که امام خمینی ره، یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی را زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت جهانی اسلام دانسته و از همین رو، معتقد بود که مسئولان نظام جمهوری اسلامی باید همه تلاش خود را بر ایجاد آمادگی برای ظهور و زمینه‌سازی برای ایجاد دولت کریمه امام عصر عج قرار دهند.

سیلی

در کلاس پنجم درس می‌خواند. یک روز همان طور که دست بر صورتش گذاشته بود، با ناراحتی وارد خانه شد. از پلک‌های پف کرده‌اش، فهمیدم گریه کرده است. او را کنار کشیده و پرسیدم: حسن! چرا ناراحتی؟ جواب داد: معلم سر کلاس به من سیلی زد. نگران شده و پرسیدم: چرا؟ جواب داد: نمی‌دونم! روز بعد از هم‌کلاسی‌اش علت را جویا شدم، فهمیدم حسن سر کلاس اعلامیه توزیع کرده بود. معلم پرسیده بود: آقاسی‌زاده! چه چیزی بین بچه‌ها پخش کردی؟ جواب داده بود: هیچی. آن وقت معلم از شاگردان پرسیده بود و بچه‌ها هم، چون حسن را دوست داشتند گفته بودند: ما چیزی ندیدیم. معلم، حسن را جلوی تخته‌سیاه برده و گفته بود: باید بگی چه چیزی را توزیع کردی؟ و او سکوت کرده بود و معلم هم به صورتش سیلی زده بود. همان سیلی باعث شد تا حسن، با سیل خروشان مبارزات همراه شود؛ سیلی که کاخ ظلم را فروریخت.^۱

پرواز انقلابی

قبل از پیروزی انقلاب، در پایگاه اصفهان در سِمَت فرمانده گردان «F-14» در یک مانور هوایی به مناسبت روز ۲۴ اسفند شرکت داشت. من به عنوان فرمانده گردان هماهنگی‌های لازم را انجام دادم و در روز مقرر، به پرواز درآمدیم. فرمانده دسته اول من بودم و عباس هم در دسته من، پرواز می‌کرد. باید بگویم که رژه در حضور شاه برگزار می‌شد.

از شروع پرواز، چند دقیقه‌ای می‌گذشت و ما در حال نزدیک شدن به فضای جایگاه بودیم. آرایش هواپیماها از قبل هماهنگ شده بود و چشمان حاضران و خبرنگاران در جایگاه، در انتظار مانور ما، بر فراز جایگاه بود که ناگهان صدای عباس در رادیو پیچید او گفت: من در وضعیت عادی نیستم. نمی‌توانم دسته را همراهی کنم. مضطربانه پرسیدم: چه مشکلی پیش آمده؟ گفت: سیستم هیدرولیک هواپیما، از کار افتاده است. می‌خواهم از دسته جدا شوم و باید به برج مراقبت، اعلام وضعیت اضطراری کنم. من فقط گفتم: شنیدم تمام. در این لحظه عباس از دسته جدا شد و در جهت مخالف دسته‌های پروازی، به سمت باند رفت. آن لحظه آرایش هواپیماها به هم ریخت و باعث به هم ریختن مراسم شد. پس از انجام پرواز، به پایگاه برگشتیم. یک سوال، ذهن مرا به خود مشغول کرد، با توجه به اینکه سیستم هیدرولیک در جنگنده «F-14» دوبله است، چرا عباس از سیستم دوم استفاده نکرده است.

فرمانده پایگاه مرا تحت فشار قرار داد که درباره اعلام وضع اضطراری عباس، اظهار نظر کنم. من پاسخ دادم: وقتی هواپیما دچار اشکال یا نقص فنی می‌شود، در آن لحظه تصمیم گیرنده خلبان است؛ بنابراین او باید تصمیم بگیرد که فرود بیاید یا به پرواز خود ادامه دهد. البته این نظر برای خودم قابل قبول نبود؛ ولی با توجه به علاقه‌ای که به عباس داشتم و تا حدودی از هدف او، آگاه بودم، بر روی این موضوع سرپوش گذاشتم. در حالی که او می‌توانست با استفاده

مجلس شهادت

و بیراه می‌گفت فریاد زد: دکتر، اصلاً هم مرگ بر تو، هم مرگ بر شاه! بس کن دیگه! دکتر از عصبانیت افسر، خنده اش گرفته بود، اما هم چنان به شعار دادن ادامه داد.^۴

پول چای

شب‌ها در شهر، حکومت نظامی بود، در محله ما هم چند ماشین ارتشی مستقر شده بودند. شب‌های سرد زمستان ۵۷، دیدم عباس چای می‌برد. گفتم: مادر تو این سرما برای کی چای می‌بری؟ گفت: واسه سربازا! گفتم: این‌ها ضد انقلاب و ضد امام هستند، تو برای آن‌ها چای می‌بری؟ با خنده جواب داد: مادر این چای‌ها را که رایگان به آن‌ها نمی‌دهم. پولشو می‌گیرم، قیمت هر استکان چای، یک مرگ بر شاه است! هر کدام از آن‌ها که این را بگویند چای گرم، گیرش می‌آید.

جالب این بود که همه سربازان، بهای چای را می‌دادند و کاری هم به بچه‌های انقلابی محل نداشتند.^۵

نامه

وقتی فاروج درس می‌خواندیم، شب‌ها در خانه کوچکی که جلال‌الدین، اجاره کرده بود، جمع می‌شدیم و او درباره امام خمینی برایمان حرف می‌زد. یک روز به نانوایی می‌رفتم که ناگهان مرد درشت هیكلی سدِ راهم شد، گوشم را محکم کشید و گفت: شب‌ها چه جلسه‌ای دارید؟ گفتم: هیچی! می‌دانستم که او رئیس خانه‌ی اصناف است، گوشم را محکم‌تر کشید و پرسید: چرا این‌قدر بچه‌ها با شما رفت و آمد دارند؟ درحالی‌که سعی می‌کردم خودم را از دستش رها کنم جواب دادم: آخ گوشم! فقط جمع میشیم و درس می‌خوانیم. مرد چند فحش رکیک داد و گفت: من از برنامه‌ی شما اطلاع دارم. بعد لگد محکمی به پایم زد و ادامه داد: دیگه نبینم از این کارها کنید. وقتی به خانه

از سیستم دوم، به راحتی پرواز را تا پایان ادامه دهد. سپس به طور کتبی و رسماً به مسئولین اعلام کردم که تصمیم بابایی مبنی بر فرود، در آن لحظه کاملاً منطقی بوده و سرپیچی از فرمان، محسوب نمی‌شود.

چند روز بعد، هنگام خروج از اتاق عملیات، عباس را دیدم. او در حالی که به من ادای احترام می‌کرد، نگاهش به نگاه من دوخته شد. هیچ نگفت؛ ولی در عمق چشمانش خواندم که می‌گفت: متشکرم.

بعدها حدسم، به یقین تبدیل شد و دانستم که عباس در آن روز نمی‌خواست رژه انجام شود و در حقیقت عمل او در آن روز، یک حرکت انقلابی و پروازش، یک پرواز انقلابی بود.^۲

توطئه

در شب ۲۱ بهمن ۵۷، متوجه نقل و انتقالات مشکوکی در سطح پادگان شد. از این رو شب، پست نگهبانی را از افسر نگهبان تحویل گرفت و به هر وسیله‌ای خود را به اتاق تیمسارها رساند و متوجه نیت پلید آن‌ها گردید. بلافاصله از پادگان خارج شد و خبر را به بیت امام داد و به پادگان برگشت و تا صبح، مشغول بیرون آوردن سوزن چکاننده، تانک‌ها شد. او بزرگترین توطئه رژیم، مبنی بر گلوله باران فرودگاه، مجلس، مرکز رادیو و تلویزیون، میدان ارگ، راه آهن و بیت امام را عقیم گذاشت.^۳

بلندگودستی

ابراهیم یک بلندگو دستی داشت که در تظاهرات، با آن شعار می‌داد. یک شب روی خوابگاه رزیدنت‌ها، با این بلندگو شروع به دادن شعار «مرگ بر شاه» کرد. افسر گارد شاهنشاهی، که روبروی بیمارستان سعدی مستقر بود، هر چه داد زد، هر چه تیر هوایی شلیک کرد، حریف ابراهیم نشد و نتوانست او را آرام کند. دست آخر در حالی که بد

از درجه دارها، به حاج محمد و حاجی کارنما که لوازم یدکی فروشی داشت، خبر می دهد. از داخل اتاق، صدای حاج محمد و حاجی کارنما را می شنیدم که به افسر آگاهی می گفتند: این یک کارگر ساده و بدبخته. اصلاً این چیزها رو نمی دونه. و چند توهین هم به من کردند: فرض کنید غلط کرده باشه. از روی نفهمیه! با هر ترفندی بود، بعد نصف روز، قبل از این که مرا تحویل ساواک بدهند از آگاهی، خارج کردند. با بدنی کاملاً له شده، دست هایم را گرفتند تا توانستم از خیابان عبور کنم. سه روز از شدت درد، نمی توانستم تکان بخورم؛ اما انرژی جدیدی در خود احساس می کردم. ترسم از کتک خوردن و شکنجه فروریخته بود. فکر می کردم هرچه باید بشود، شد! این حادثه به نحوی در من اثر کرد که انگار مثل خالکوبی بود که در دوران بچگی، با برگ پودنه، خال کوچکی روی دست های خود می کوبیدیم. با هر ضربه و لگدی کلمه «خمینی» در عمق وجود من حک شده بود.^۷

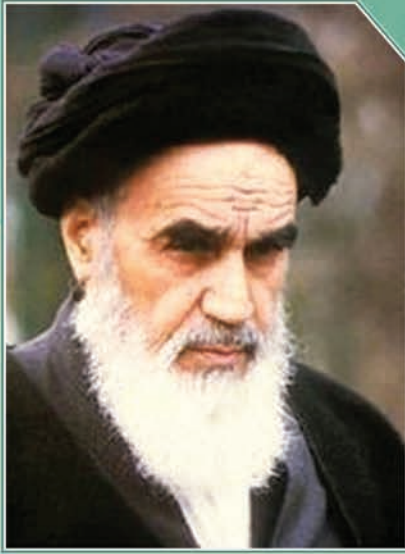
۱- کتاب: شهاب، خاطرات شهید حسن آقاسی زاده شعریاف، اثر: سیدمحمد میررفیعی، راوی: تقی آقاسی زاده شعریاف، پدرشهید
۲- کتاب: پرواز تا بی نهایت، اثر: علی اکبر، حکمت قاضی میرسعید، محمد طاهری آذر، رحمت الله سلمان ماهینی، راوی تیمسار حبیب صادقیپور
۳- کتاب: زندگینامه شهید سرلشکر سیدموسی نامجو، اثر: مجید شفیعی
۴- کتاب: ترنم ملکوت: یادنامه شهید دکتر سید محمدابراهیم فقیهی، اثر: محمدهادی ایمانیه، علی برزگر، محمدحسین سرایداران
۵- کتاب همسفر تا بهشت، گزیده خاطرات ۱۴ سردار شهید استان فارس، اثر: مجید ایزدی، راوی: مادر شهید غلامعباس کریمپور
۶- کتاب: سفر ناتمام: بر اساس زندگی شهید جلال الدین موفق یامی، اثر: اصغر فکور، راوی: قانع دوست شهید
۷- کتاب: از چیزی نمی ترسیدم، اثر: حاج قاسم سلیمانی

رسیدم، جریان را برای جلال الدین گفتم. او در نامه ای خطاب به آن مرد نوشت: آقای فلانی، ما کسانی را که با رژیم شاه همکاری می کنند، می شناسیم و اسامی آن ها را هم داریم. اگر یک بار دیگر مزاحم انقلابیون شوید، با شما به شدت برخورد خواهد شد.

نامه را شبانه داخل منزل رئیس خانه ای اصناف انداختیم. نامه جلال الدین، کار خودش را کرد، چون از فردای آن روز، او هر وقت ما را می دید نه تنها چیزی نمی گفت، بلکه با گرمی، سلام می کرد و از سوی دیگر می رفت.^۶

گواهی نامه راندگی

اواخر سال ۵۶ بود. امتحان برای گواهی نامه راندگی دادم، قبول شده بودم. به مرکز راهنمایی و راندگی، برای گرفتن گواهی نامه خود رفتم. افسری بود به نام آذری نسب. گفت: بیا تو، اتفاقاً گواهی نامه ات رو خمینی امضا کرده! آماده است تحویل بگیری. من از طعنه او خیلی متوجه چیزی نشدم. مرا به داخل اتاقی هدایت کرد. دو نفر درجه دار دیگر هم وارد شدند و شروع به دادن فحش های رکیک کردند. من در محاصره آن ها قرار داشتم و هیچ راه گریزی نبود. آن ها با سیلی و لگد و ناسزای غیر قابل بیان می گفتند: تو شب ها میری دیوارنویسی می کنی؟ آن قدر مرا زدند که بی حال روی زمین افتادم. از بینی و صورتم خون جاری شد. یکی از آن ها با پوتین روی شکم ایستاد و آن چنان ضربه ای به شکم زد که احساس کردم همه احشای درونم نابود شد. به رغم ورزشکار بودن و تمرینات سختی که در ورزش کاراته و زورخانه، می کردم، توانم تمام شد و بیهوش شدم. وقتی به هوش آمدم، در اتاق بسته بود و من محبوس در آن بودم. چون محل اداره آگاهی و راهنمایی و راندگی، در یک مکان و در مقابل هتلی بود که در آن، سابق کار می کردم، آن ها مرا به نام شاگرد حاج محمد می شناختند. یکی



انتظار در کلام امامین انقلاب

با وقوع انقلاب اسلامی برای نخستین بار، یک حکومت مسلمان با آرمان زمینه‌سازی انقلاب جهانی مهدی موعود^ع در ایران تشکیل شد و خواب خوش نظریه‌پردازانی که تشکیل حکومت در زمان غیبت را جایز نمی‌شمردند، آشفته کرد و نظریات آن‌ها را از درجه اعتبار، ساقط نمود. پس به جرأت می‌توان گفت در اندیشه امام خمینی^ع موضوع مهدویت، همانند بسیاری از حقایق دیگر اسلام، حیات‌بخش و نویددهنده، مطرح شده است. ایشان مسئله انتظار و مفهوم درست آن و تفسیر زنده و کارآمدی از آن را که بتواند پاسخ‌گوی انسان معاصر باشد را ارائه نمودند. در این جا سعی کردیم به برخی از نظرات بنیانگذار جمهوری اسلامی در این مبحث بپردازیم.

می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکلیف خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله، درست می‌کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آن چه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد، نداشته باشیم. این‌ها هم یک دسته از مردم بودند که صالح بودند.

یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب، باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند؛ گناه زیاد بشود که فرج نزدیک بشود.

یک دسته‌ای از این بالاتر می‌گفتند: باید دامن زد به گناه، دعوت کرد مردم را به گناه، تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت^ع تشریف بیاورند. این هم یک دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته، منحرف‌هایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصد به این دامن می‌زدند.

یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است.

مفهوم انتظار در کلام امام خمینی^ع

امام ضمن بیانی مبسوط در مورد انتظار می‌فرمایند: برداشت‌هایی که از انتظار فرج شده است؛ بعضی را من عرض می‌کنم: بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، حسینیه، منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان^ع را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند... اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند... لکن همین، دیگر غیر از این کاری از آنان بر نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند، نبودند.

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه

کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت علیه السلام در هر صورت.^۱ مقام معظم رهبری نیز به عنوان فرمانده کل قوا و به عنوان رهبری نواندیش، نظریه پرداز، خلاق، مقتدر و مسلط بر امور، در بیانات و سخنرانی‌های خویش در خصوص ماهیت مفهوم انتظار فرج و ویژگی‌های منتظران، نکات مهمی فرموده اند که در این جا به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

انتظار فرج

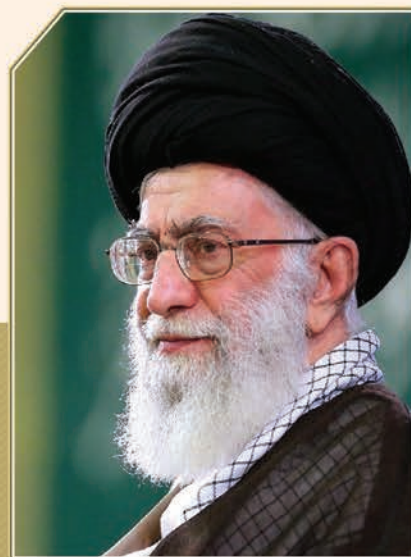
یکی از مبانی مهم فکری و دینی ما انتظار فرج است. انتظار فرج یعنی همه‌ی سختی‌ها قابل برداشته شدن و برطرف شدن است. نه اینکه بنشینید انتظار بکشید؛ [بلکه] دل شما، گوش به زنگ باشد.^۲

آمادگی برای سربازی امام زمان علیه السلام

انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان علیه السلام آماده کنی ... سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد... ما نباید فکر کنیم چون امام زمان علیه السلام خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. اعتقاد به امام زمان علیه السلام به معنای

آن‌ها مغرور بودند. آن‌هایی که بازیگر نبودند، مغرور بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر عَلمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن عَلم، عَلم باطل است. آن‌ها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هر کس عَلم بلند کند با عَلم مهدی، به عنوان «مهدویت» بلند کند، [باطل است].

حالا ما فرض می‌کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این نیست که تکلیفمان دیگر ساقط است؟ یعنی، خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا که ما دیگر معصیت بکنیم تا پیغمبر بیاید، تا حضرت صاحب بیاید؟ حضرت صاحب که تشریف می‌آورند برای چی می‌آیند؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را، برای اینکه حکومت را تقویت کنند، برای این که فساد را از بین ببرند. ما برخلاف آیات شریفه قرآن، دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند؟ حضرت بیایند چه می‌کنند؟ حضرت می‌آیند، می‌خواهند همین کارها را بکنند... ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم



انتظار در کلام امامین انقلاب

در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود، زمینه‌های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد.^۴

پیروزی ملت ایران، زمینه ساز ظهور

امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی امر و ولی عصر^۵ آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به معرفت امروز من و شماست.^۵

۱- صحیفه امام، ج ۲۱، صص ۱۷-۱۳ با کمی دخل و تصرف
۲- مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۴۰۲/۰۱/۲۹
۳- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاهی تهران ۸۱/۷/۳۰
۴- همان
۵- بیانات در دیدار مردم قم ۹۱/۱۰/۱۹

گوشه‌گیری نیست... امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه‌ی دنیا، ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، این‌ها همان چیزهایی است که امام زمان^۶ برای مبارزه با آن‌ها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با این‌ها آماده کنیم.^۳

بزرگ‌ترین وظیفه‌ی منتظران

بزرگ‌ترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان^۶ این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و هم‌چنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدس، سراز پان‌شناخته، در صفوف دفاع مقدس شرکت می‌کردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده‌ی دفاع از ارزش‌ها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته‌ی اسلام است، می‌تواند ادعا کند که اگر امام زمان^۶ بیاید، پشت سر آن حضرت در میدان‌های خطر، قدم خواهد گذاشت؛ اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا، خود را می‌بازند و زانوانشان سست می‌شود؛ کسانی که برای مطامح شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامح آن‌ها را به خطر می‌اندازد، انجام دهند؛ این‌ها چطور می‌توانند منتظر امام زمان^۶ به حساب آیند؟ کسی که

انتظار در کلام امامین انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جامعه با یک چرخش ۱۸۰ درجه ای، ارزش های مادی برآمده از فرهنگ استبدادی را به کناری نهاد و ارزش های متکی بر فرهنگ توحیدی را برگزید و با یک انضباط والای انقلابی، ضمن تخریب بنای کهنه و پوسیده گذشته، به نوسازی جامعه مبادرت ورزید.

با پیروزی انقلاب، علاوه بر اثبات توانایی و کارآمدی دین در اداره حیات اجتماعی بشر، یک تجربه ملموس و طرح عملی برای اداره زندگی انسان، برمبنای عدالت و معنویت، فراروی بشر قرار گرفت و الگوی بعثت انبیاء، بار دیگر با پیام معنویت به تحقق پیوست. شعار خروج انسان از یوغ بردگی و بندگی طاغوت ها و رستن از ذلت و خواری و روی آوردن به عبودیت خدا و مقابله با بدی ها و کژی ها، جذابیت ویژه پیدا کرد و بشر سرگشته از تمدن ماشینی، گمشده خود در تأمین نیازهای برتر و والاتر را در مکتب اسلام و جهان بینی توحیدی یافت.

راز و رمز پیروزی انقلاب اسلامی با کمی عده و عده اش بر طاغوت و نظام سلطه با همه قدرت ظاهری اش را، تنها باید در ایمان خالص و آگاهانه ملت ایران و صبر و استقامت و فداکاری آنان جستجو کرد که با پیروی بی چون و چرا از هدایت های روشنگرانه امام خمینی علیه السلام، قدم در راه مبارزه نهاده و لحظه ای در دستیابی به اهداف متعالی انقلاب تردید، توقف و کوتاهی نکردند و سرانجام استقلال و آزادی را در آغوش کشیده و شهد گوارای پیروزی را چشیدند. استکبار جهانی که با پیروزی انقلاب، همه

انقلاب اسلام

زمینه ساز

ظهور

نه

آری

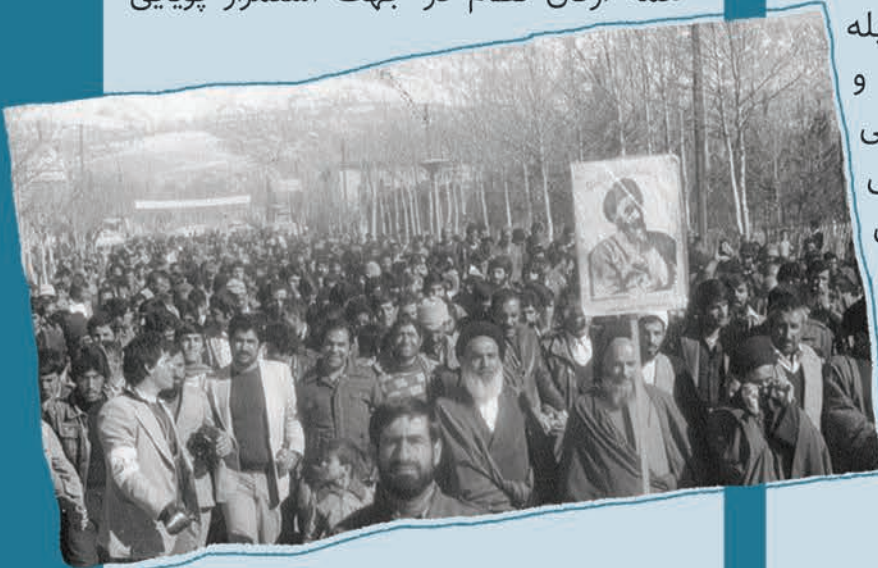
بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بزرگترین رویداد قرنِ معاصر که اعجاب تحلیل گران را برانگیخت، گذشت. پدیده ای که هر روز آن، با فراز و نشیب و چالش های فراوانی رو به رو بود اما با عنایات الهی، مقتدرانه و سرافراز، از گردنه های صعب العبور حوادث و صخره های سخت مشکلات، عبور کرد و با حفظ اصول مُتقن خود، به تحکیم پایه های اعتقادی و ارزش های دینی و گسترش فرهنگ اسلامی پرداخت و با تثبیت نظام مردم سالار جمهوری اسلامی، استکبار جهانی را به استیصال کشاند.

صراحتاً اعلام می‌کنند: ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی، مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می‌کنیم.^۱ مقام معظم رهبری نیز خواهان همت و تلاش همه ارکان نظام در جهت استمرار پویایی

منافع و مطامع مادی خود را، از دست رفته یافت، از همان آغاز به فتنه‌گری و توطئه پرداخت تا به خیال باطل خویش، بتواند آن را متوقف، منحرف و در نتیجه به شکست بکشد، غافل از این که در تقابل و تعارض حق و باطل، براساس وعده‌ی الهی، غلبه و پیروزی جریان حق بر باطل، حتمی و تخلف‌ناپذیر است. به همین دلیل هر چه بیشتر به مقابله برخاست، کمتر نتیجه گرفت و حاصلی جز شکست و نفرت جهانی نصیبش نگشت و انقلاب اسلامی با دستاوردهای گرانبهای داخلی و خارجی، توفنده و بی‌محابا به حرکت خویش ادامه داد به گونه‌ای که باعث بیداری امت اسلامی شد و به الگویی بی‌بدیل برای مبارزه با استکبار و سلطه، برای نهضت‌های رهایی‌بخش تبدیل شد.

آری! انقلاب اسلامی با عنایات خاص الهی و به پیروی از سیره معصومین (علیهم‌السلام) و با رهبری حکیمانه امام خمینی (ره) پایه‌گذاری شد و سپس فرایند تثبیت آن، چنان ماهرانه تحقق یافت که دشمنان نتوانستند در ماه‌های اول انقلاب و نظام اسلامی آن را سرکوب یا منحرف کنند. اکنون نیز با اتخاذ سیاست‌های خردمندانه و تدابیر هوشمندانه مقام معظم رهبری، مسیر تکاملی خود را می‌پیماید و عزت و اقتدار خود را روزافزون می‌کند.

اندیشه امام و رهبری انقلاب اسلامی ایران، با عبور از سنگلاخ‌های پرفراز و نشیب، سرانجام به دریای بیکران مهدویت می‌پیوندد. به همین دلیل امام



انقلاب اسلامی و

تجدید تمدن فرهنگ ساز اسلامی و زمینه‌سازی ظهور مهدی موعود (عج) و تحویل نظام اسلامی به صاحب اصلی آن است ایشان می‌فرمایند: هدف، پی‌ریزی یک تمدن است؛ یک حرکت عظیم است. برای این باید ارتش ما و سپاه ما، دستگاه‌های ما، وزارتخانه‌های ما، نیروی انتظامی و غیره باید خودشان را آماده کنند.^۲ در جای دیگر می‌فرمایند: امروز شما موظفید و باید این نظام را حفظ کنید؛ آن هم پیراسته، سالم، به شکل خالص و به همان شکلی که بشود آن را به ولی‌عصر - ارواحنا فداه - تحویل داد. این، وظیفه‌ی بزرگ شما جوانان مؤمن است.^۳

حرکت زمان گیر دشوار نفس گیر به معنی دگرگونی تدریجی را که کار انقلاب است در بنیان‌های جامعه متوقف کند، انقلاب را شکست داده است اگر بتواند آن را کند بکند، انقلاب را عقب رانده است، هرچند شکست هم نداده باشد. انقلاب ادامه دارد مگر می‌شود انقلاب تمام بشود.^۴

اما باید توجه داشت انقلاب اسلامی مثل هر پدیده اجتماعی دیگر در معرض آسیب‌ها و تهدیدات قرار دارد و انقلابیون وظیفه دارند آن‌ها را شناسایی نموده و اقدامات پیشگیرانه برای حفظ انقلاب را صورت دهند و با پاسداری از ارزش‌های متعالی آن و روحیه تسلیم ناپذیری در پرتو اتحاد و وفاق ملی، پرچم برافراشته اش را نسل به نسل و دست

به دست بگردانند تا اینکه عاقبت به صاحب اصلی اش حضرت ولی عصر^ع بسپارند و تحقق وعده الهی را که حکومت عدل جهانی است نظاره گر باشند. امید است با همت نسل دیروز در تبیین صحیح و دقیق ابعاد انقلاب و معارف دینی و تلاش نسل امروز در جهت اقتدار و سرافرازی نظام و خودباوری آینده سازان

این وعده الهی محقق شود.
ان شاء الله.

۱- صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۵، پیام امام برای زائران بیت الله الحرام ۶/۵/۶۶
۲- بیانات در دیدار با هیات امنا و مسئولان و اساتید دانشگاه علوم استراتژیک ارتش، ۱۵/۱۰/۷۳
۳- بیانات در دیدار با فرماندهان و کارکنان سپاه، ۶/۱۱/۷۱
۴- سخنرانی در دانشگاه امام حسین، اردیبهشت ۱۳۷۷

بنابراین از نگاه امام و مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی، این معجزه‌ی قرن و هدیه‌ی الهی، پیش در آمدی برای تحقق وعده الهی است که آیات قرآن کریم به آن اشاره دارند؛ جامعه مهدوی. جامعه‌ای که با تکامل عقلانیت و نبوغ فکری و گسترش عدل، احیا و تحقق همه اندیشه‌های انقلاب و اسلام و اجرای حدود و احکام الهی چهره‌ی زیبای اسلام را نمایان می‌کند. از این رو باید تمام طرح‌ها و راهبردها و سیاست‌های کلی نظام، در راستای تحقق حکومت جهانی مهدوی، پایه گذاری شود تا انقلاب اسلامی که طلیعه عصر مهدویت است راه را، برای ظهور مصلح کل، مهیا ساخته و جهان بشریت، به صلح و عدالت آراسته گردد.

هم چنین مقام معظم رهبری ضمن انتقاد شدید از کسانی که تحت تاثیر القاتل دشمن، سخن از ختم انقلاب کرده و شکل گیری نظام

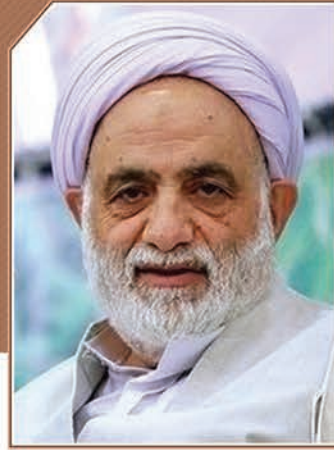


جمهوری اسلامی را پایان عصر انقلاب می‌دانند، می‌فرمایند: مگر می‌شود انقلاب تمام بشود؟ انقلاب تمام بشود یعنی تمام این روند منقطع بشود... انقلاب زنده است. آن روزی که دشمن این انقلاب، بتواند این روند و این حرکت را متوقف بکند، انقلاب شکست خورده است، آن روزی که دشمن بتواند این



مشت نمونه خروار حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

رئیس هیأت امنای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج کشور



زمانی ما به یاران امام زمان عج سلام می‌کنیم، یعنی یادمان است روزی پنج مرتبه که عِبَادِی الصَّالِحُونَ چه کسانی هستند. حالا ثمره‌اش چیست؟ ثمره هم دارد «كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ»^۲ نه تنها در قرآن، در زبور هم آمده، وعده داده «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا»^۳ خدا وعده داده، بندگان صالح حکومت را به دست می‌گیرند.

سند کتبی: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ»، قول: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا»، این قول وفا می‌شود؟ بله «وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ»^۴ ما چون عاجزیم به قولمان وفا نمی‌کنیم خدا که قول داد عمل می‌کند. خُب حالا چگونه؟ چگونه‌اش را در چند دقیقه می‌گوییم:

آیا دانشمندان دنیا با امام زمان عج بیعت خواهند کرد؟ بله، دهه‌ی فجر نمونه‌ی آن است. سرلشگر بابایی آمریکا رفت، بالاترین درجه‌ی تخصص پرواز را گرفت، آمد دست امام را بوسید، هنر خلبانی‌اش را در خدمت انقلاب گذاشت. این نمونه‌ی عینی است. روایت داریم زمانی که امام زمان عج ظهور می‌فرمایند، متخصصین درجه‌ی یک کره زمین، با امام زمان عج بیعت می‌کنند. بیگانه‌ها چه؟ قرآن یک نمونه دارد، می‌گوید: بیگانه‌ها هم می‌آیند کمک به یاران خدا می‌کنند «وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بَنَاءٍ وَغَوَاصٍ»^۵ حضرت سلیمان علیه السلام حکومت داشت، جن‌ها کمک ایشان می‌کردند، «وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ»^۶ غواصی می‌کردند برای حضرت! مگر امام خمینی فرانسه رفت، مگر خبرنگاران بی‌دین و بادین و یهودی و مسیحی و تمام خبرنگاران دنیا جمع نشدند و حرف‌های امام را پخش نکردند! پس می‌شود مرد

در این زمان گمشده‌ی ما چند چیز است: رهبری می‌خواهیم که خاطرمان صددرصد جمع باشد که می‌تواند کره‌ی زمین را اداره کند و آن ذخیره خداوند حضرت مهدی عج است. یک قانونی می‌خواهیم که بر اساس هوس و خیال نباشد و صددرصد حق باشد و آن قرآن است، کتابی که دست نخورده و تحریف نشده است. پس امام زمان عج هست، قانون هم هست. حال یک آمادگی می‌خواهیم. آن آمادگی مربوط به ماست که ما در آن ماندیم، چگونه آمادگی را ایجاد کنیم. آیا این درس‌هایی که می‌خوانیم، این حرکات و تصمیمات ما بستری است برای ظهور؟ یک شبهاتی است که انقلاب ما و دهه‌ی فجر این را حل کرد که در این جا گذری به آن‌ها می‌زنیم. اول اینکه حالا که یک رهبر جهانی و قانون جهانی و طرح جامع می‌خواهیم، باید مردم صالح شوند «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِی الصَّالِحُونَ»^۱ چون وارث زمین عباد صالح هستند، در تشهد هم که سلام می‌کنیم می‌گوییم «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» سلام بر عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ یعنی سلام بر یاران حضرت مهدی عج، در هر

آیا دانشمندان دنیا با امام زمان عج بیعت خواهند کرد؟ بله، دهه‌ی فجر نمونه‌ی آن است. سرلشگر بابایی آمریکا رفت، بالاترین درجه‌ی تخصص پرواز را گرفت، آمد دست امام را بوسید، هنر خلبانی‌اش را در خدمت انقلاب گذاشت.

زمان عج می‌آید، نگفته اگر دنیا پر از ظالم بشود، گفته پر از ظلم شود، فرق است بین ظالم و ظلم، دقت کنید کمی لطیف است. با یک مثال توضیح می‌دهم، یک وقتی می‌گوییم وقتی پنجره را باز می‌کنیم که اینجا پر از دود شود، کی پنجره را باز می‌کنیم؟ وقتی اینجا پر از دود شود، یک وقتی می‌گوییم وقتی پنجره را باز می‌کنیم که همه در اینجا سیگار بکشند. اگر بگوییم وقتی امام زمان عج ظهور می‌کنند که همه ظالم باشند، «بَعْدَ مَا مَلِئْتُ ظَالِمًا» یعنی همه ظالم باشند و همه سیگار بکشند و همه تولید دود کنند، بله در آن صورت باید همه گناه کنیم تا امام زمان عج بیایند. اما روایت می‌گوید: بَعْدَ مَا مَلِئْتُ ظُلْمًا! ظلم را لازم نیست همه ظالم شوند بلکه یک نفر مثل صدام باشد، کافی است.^{۱۲}

خدا حاکم شود و دیگران یعنی حتی غیرمسلمان‌ها بازوی او شوند. مُشت نمونه‌ی خروار است. می‌شود عبد صالح حاکم شود؟ بله همان طور که امام خمینی عج شد. می‌شود مردم از طاغوت نترسند؟ بله، مردم شعار دادند: توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد.

امام زمان عج چگونه می‌آید؟ نمونه‌اش را داریم، مردم چگونه عوض می‌شوند، نمونه‌اش را داریم، دهه‌ی فجر. می‌شود همه‌ی مفسدین نابود شوند؟ بله، چه جوری؟ زمان حضرت نوح علیه السلام همه‌ی کفار لجوج غرق شدند، نهصد و پنجاه سال حضرت نوح علیه السلام تبلیغ کرد، هیچ کس ایمان نیاورد، حضرت نوح علیه السلام گفت: خدایا نسل این‌ها دیگر مومن نمی‌شوند «وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاَجْرًا كَفَارًا»^۶ یعنی نسل این‌ها ایمان نمی‌آورد، وقتی این گونه شد، همگی غرق شدند. چه جوری هلاک می‌شوند؟ مثل قوم حضرت نوح. چه جوری حزب الله حاکم می‌شود؟ «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِيهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ»^۸.

قدرتمندان هم زیر بار امام زمان عج می‌روند؟ بله، چگونه؟ قرآن می‌گوید: بلقیس خانمی بود تاج‌دار، شاه بود «وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ»^۹ هُدهد این خانم را دید. آمد گزارش داد، بار رد و بدل کردن چند نامه این بلقیس خانم ایمان آورد، با یک نامه‌ی یک سطری! این را می‌گویند نامه، نامه‌ای که یک سطر هم نیست: «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ»^{۱۰}.

شما می‌گویید امام زمان عج وقتی می‌آید که ظلم بشود: «بَعْدَ مَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا»^{۱۱} پس بیایید همه گناه کنیم دنیا پر شود از ظلم، دنیا که پر شد امام

۱- انبیا/ ۱۰۵

۲- همان

۳- نور/ ۵۵

۴- حج/ ۴۷

۵- ص/ ۳۷

۶- انبیا/ ۸۲

۷- نوح/ ۲۷

۸- انبیا/ ۱۰۵

۹- نمل/ ۲۳

۱۰- نمل/ ۳۰ و ۳۱

۱۱- مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول ج ۴ ص ۲۰

۱۲- گزیده‌ای از برنامه درس‌هایی از قرآن، ۹۸/۱۱/۱۷

آینده امید بخش آیت الله لطف الله دزگام

نماینده ولی فقیه در استان فارس و امام جمعه شیراز



یاد آن حضرت، غافل نیست و خود را برای ظهور حضرت، آماده و مهیا می‌کند.

۲- **ورع:** یعنی نگه داری نفس از گناه و ترس از لغزش از مسیر هدایت الهی است. دوری از گناه، تقوا، و دوری از مکروهات و شبهات، ورع نام دارد. دوری از مکروهات، به دوری از حرام و گناه کمک می‌کند. پس انسان منتظر، به دنبال تهذیب نفس و خودسازی می‌باشد.

۳- **آراسته شدن به محاسن اخلاقی:** از ویژگی مهم منتظران دولت کریمه امام عصر علیه السلام، داشتن اخلاق کریمانه و خود را به اخلاق نیک و پسندیده، آراسته نمودن است، در حالی که مترصد ظهور آن حضرت است. در چنین حالتی، مقام و درجه او با کسی که ظهور را درک می‌کند و از اصحاب است، برابر می‌باشد.

پس منتظر باید خود را به خوبی‌ها و محاسن اخلاق بیاراید و همچنین وجودش را از آنچه که مانع می‌شود تا خوبی‌ها در او تحقق پیدا کند تخلیه کند چون تا ظرف وجودیش خالی نشود جایی برای ورود محاسن اخلاق در او ایجاد نمی‌شود. اول ورع و تقوا بعد محاسن اخلاق.

نکته بعد این که خداوند متعال در آیه ۱۰۵ سوره انبیا می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» قبل از این که

مقصود از انتظار فرج، چشم به راه بودن برای ظهور آخرین ذخیره الهی و آماده شدن برای برپایی حکومت عدل و قسط به رهبری امام عصر علیه السلام در سراسر جهان است. بی تردید منتظر حقیقی کسی است که حقیقتاً خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد و در این راه خود را آماده نماید.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ، وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ

هرکس دوست دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و در حال انتظار، به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند.

بر طبق فرمایش امام صادق علیه السلام انسان منتظر باید سه کار انجام دهد:

۱- **انتظار:** آن آرمان خواهی و تلاش برای رسیدن به آرمان‌های الهی است. انسان منتظر، پیوسته به یاد امام منتظر بوده و یک لحظه هم از

این انقلاب مانند کشتی نوح است که رهبر معظم انقلاب در دوران غیبت امام زمان ع به نیابت از ایشان، این کشتی را اداره، حفظ و حراست نموده و آینده روشن را ترسیم می‌نمایند.

شیعیان خاموش کنند اما نمی‌توانند. روزی عده‌ای گفتند: سوریه از دست رفت اما رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: خیر، سوریه با همین مجموعه که حکومت می‌کند باقی خواهد ماند و امروز شاهد به کرسی نشستن این سخن مقام معظم رهبری هستیم.

پس امامت، نقطه اصلی امید در قاموس انقلاب اسلامی است و این انقلاب مانند کشتی نوح است که رهبر معظم انقلاب در دوران غیبت امام زمان ع به نیابت از ایشان، این کشتی را اداره، حفظ و حراست نموده و آینده روشن را ترسیم می‌نمایند.

۱- غیبت نعمانی، ج ۱۱، ص ۱۶، ۲۸۶



قرآن نازل شود در کتاب زبور داوود نوشتیم و سند آن، در اختیار ما است که مردم جهان بدانند آینده، امید بخش است و صالحان در آن حکومت خواهند کرد. از این رو حکومت مهدی ع رخ خواهد داد و از هرچه زشتی و پلیدی است جهان را پاک می‌کند. این آینده کره زمین است.

در آیه ۹ سوره مبارکه صف نیز می‌خوانیم: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» خدای ما خدایی است که وجود محمد ص را همراه با هدایت و دین حق فرستاد تا حق را بر همه ادیان پیروز کند، گرچه مشرکان نپسندند.

هم چنین در آیه ۵ سوره قصص خداوند متعال می‌فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» مردم ناامید نباشید چرا که اراده خداوند بر آن تعلق گرفته که منت بر سر مستضعفان گذاشته و آن‌ها را وارثان روی زمین قرار دهد.

بنابراین ناامیدی در قاموس معتقدان به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام وجود ندارد چرا که چشم به راه آینده روشن ظهور مهدی آل محمد ص هستند و آینده را روشن می‌بینند. باید امید به آینده روشن را رواج دهیم زیرا امروز صهیونیست‌ها با جریان‌های بابی و بهایی همدست شده اند برای اینکه این امید را در دل

کم نداشته‌ایم.^۱ در خاطرات شهید شیرودی آمده که در برخی از پروازها که بسیار موفق می‌شدند، موقع برگشت، در جمع خبرنگاران با این که خود نقش اصلی را ایفا کرده بود، اصلاً نامی از خود نمی‌برد و موفقیت را بعد از کمک الهی، به دوستانش منتسب می‌کرد و آنان را قهرمانان جنگ می‌نامید و خودش را هیچ‌کاره می‌دانست.^۲

شهید حسن باقری که به مغز متفکر جنگ معروف بود، در عملیات موفقیت‌آمیز فتح‌المبین، وقتی خبرنگاران برای مصاحبه سراغ او رفتند، آن‌ها را به بسیجی‌ها ارجاع داد و گفت: همه کارها را آن‌ها کرده‌اند، بروید از آن‌ها بپرسید.^۳

شهید احمدعلی نیری، نوجوان ۱۶ ساله، به جایی رسید که بعد از شهادتش، آیت‌الله خوشوقت (استاد عرفان و اخلاق) درباره ایشان فرمود: شما بروید در تهران بگردید ببینید مثل ایشان پیدا می‌کنید؟^۴

نماز شب، دعای کمیل، زیارت عاشورا، قرائت قرآن، ایثار، فداکاری و... نمونه‌هایی از معنویت حاکم بر رزمندگان بود که ثابت کرد اگر اراده باشد انسان می‌تواند ره صدساله را، یک‌شبه طی کند. چه بسیار از شهدا، که از زمان شهادت خود، ساعت و حتی چگونگی آن، باخبر بوده و این را به دوستان خود گفته

بدون تردید حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام فقط دارای بُعد سیاسی، نظامی و اجتماعی نخواهد بود، بلکه طبق روایات مهم‌ترین بُعد آن، تحولات فرهنگی است که در درون افراد و جامعه رخ خواهد داد. در آن عصر با شکوه انسان‌ها از درون تحول می‌یابند و بینش‌های مادی به معنوی و روحانی تبدیل می‌شود.

شهید حاج قاسم سلیمانی اعتقاد داشتند قله‌ی تربیت اخلاقی و دینی ما دفاع مقدس بود. ایشان می‌گفتند: من معتقد هستم، آن چیزی که دیدم، صحنه‌هایی که دیدیم و شما هم خیلی‌ها تون دیدید، معتقدم امام زمان علیه السلام که ظهورکنند، حکومتی که ایجاد می‌کنند، قله‌ی آن حکومت آن دوره بود که در دفاع مقدس ما، در بخش‌ها و حالاتش، اتفاق افتاد.

آری! اگر خوب به ۸ سال دفاع مقدس نگاه کنیم، می‌بینیم آن‌چه در آن غلبه داشت، شیوه رزم و جنگیدن نبود بلکه معنویت حاکم بر رزمندگان اسلام بود. وقتی نام جبهه و جنگ برده می‌شود، اولین معنایی که به ذهن متبادر می‌شود معنویت و خلوص و کمال بندگی است. رفتار و کرداری که الگوبخش است، به خصوص برای نسلی که شهدا را ندیده است و این نیست مگر به دلیل کمال معنویت آنان. علامه مصباح می‌فرمودند: اگر کسی این چنین بشود، بدون منبر و درس اخلاق نیز می‌تواند موجب تربیت دیگران شود، همان‌گونه که در دوران دفاع مقدس از این نوع فرماندهان که رفتار آن‌ها تربیت‌کننده دیگران بود،

قل

بعد مثل یک قصه با زبان ساده، برای آن‌ها داستان آن آیه را تعریف می‌کرد. بچه‌ها هم دست‌ها را زیر چانه گذاشته و با ذوق و شوق گوش می‌دادند.^۷

شهیدجهان آرا وقتی ازدواج کرد، یک جلد قرآن برای همسرش خرید. توی صفحه‌ی اول آن نوشت: امیدوارم این کتاب اساس حرکت مشترک ما باشد و نه چیز دیگر، که همه چیز فنا پذیر است جز این کتاب.^۸

در وصیت نامه شهدا نیز سفارش به قرآن، خیلی پر رنگ دیده می‌شود. شهید حمید باکری در فرازی از وصیت نامه خود نوشته است: توصیه به آشنایی کامل با قرآن کریم که عزت‌بخش شما در این دنیای سر تا پا گناه است، را دارم. در آیات آن زیاد تفکر نمائید و با صوت خواندن قرآن را فرا بگیرید. شهید سید مجتبی علمدار می‌نویسد: به همه شما وصیت می‌کنم همه شمایی که این صفحه را می‌خوانید قرآن را بیشتر بخوانید، بیشتر بشناسید، بیشتر عشق بورزید، بیشتر معرفت به قرآن داشته باشید، بیشتر دردهایتان را با قرآن درمان کنید. سعی کنید قرآن انیس و مونس‌تان باشد نه زینت دکورها و طاقچه‌های منزلتان، بهتر است قرآن را زینت قلبتان کنید.

همسر شهید بابایی می‌گوید: یکی از همکاران عباس به میهمانی سالگرد ازدواجش، دعوت‌مان کرد وگفت کسی نیست فقط آشناها هستند. وارد کوچه شدیم، پر از ماشین بود. گفتیم: شاید میهمان همسایه‌ها هستند.

و در وصیت‌نامه خود قید کردند. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در وصف دوران ظهور می‌فرماید: «كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى شِيَعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يَعْلَمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ» گویا می‌بینم شیعیان ما در مسجد کوفه، خیمه‌ها زده اند و قرآن را همان گونه که نازل شده، به مردم می‌آموزند.^۹ حضرت آن زمان را زمان تعلیم و مانوس شدن با قرآن می‌داند. این صفت خوب را در رزمندگان و شهدای دفاع مقدس شاهد بودیم که هم انس با قرآن داشته و هم سفارش به خواندن قرآن می‌کردند.

جانباز و قاری محترم قرآن جناب آقای احمد ابوالقاسمی می‌گوید: در آن زمان برگه‌هایی کوچک توزیع می‌شد که روی آن نوشته شده بود نمازها را در پنج وقت بخوانید، نماز شب را فراموش نکنید، قرآن بخوانید و سفارش‌هایی از این دست... شاید در هیچ دوره‌ای جوانان کشور به اندازه‌ای که در زمان جنگ، به سراغ قرآن می‌رفتند نرفته باشند. من بسیار دیدم رزمندگانی که در خلوت‌های خود به صورت مرتب قرآن می‌خواندند.^{۱۰}

یک روز جواد، تعدادی نوار قرآن با خودش آورد. دیدم روزی چند ساعت در اتاق به بچه‌ها قرآن آموزش می‌دهد. با خودم گفتم: بچه‌ها حوصله‌شان سر نمی‌رود؟ یک روز به اتاقشان سرزدم. دیدم، دارد با صوت زیبایی برای بچه‌ها قرآن می‌خواند. اول به عربی و



استعفا داد و به جبهه رفت. بعد از اینکه در جبهه شهید شد، یکی از همکاران گفت: توی اون مدتی که کارآموز بودی و منتظر بودیم که یک نفر بازنشسته بشود تا شما را جایگزین کنیم، حقوق از حقوق جناب شهردار، کسر و پرداخت می‌شد و این درخواست خود ایشان بود.

همسر شهید بابایی نقل می‌کرد: یک روز عباس آمد و گفت: باید خانه را عوض کنیم. یکی از پرسنل نیروی هوایی را دیدم که با هشت بچه در یک خانه‌ی دو اتاقه زندگی می‌کند و نمی‌شود ما با دو بچه (همان وقت محمد را حامله بودم) در این خانه نسبتاً بزرگ زندگی کنیم.

آدرس خانه را به آن آقا داده و رفته بود. آن آقا بعد از این که فهمید فرمانده پایگاه می‌خواهد خانه اش را به او بدهد کلی اصرار کرد که نه! ولی با پافشاری عباس قبول کرد^{۱۱} این نمونه‌های عینی، سندی بر کلام شهید سلیمانی است که فرمودند: قله‌ی آن حکومت آن دوره بود که در دفاع مقدس ما، در بخش‌ها و حالاتش اتفاق افتاد.

سعید آزاده

وقتی وارد شدیم غوغایی بود. از سبک میهمانی‌های آن موقع، رقص و مشروب و ... نتوانستیم طاقت بیاوریم، بیرون زدیم. عباس بَغض کرده بود. وقتی به خانه رسیدیم، بَغضش ترکید. بلند بلند گریه می‌کرد و سرش را به در و دیوار می‌کوبید و می‌گفت: امشب را چه طور باید جبران کنم. قرآن را باز کرد و تا صبح قرآن خواند.^۹

امام باقر (علیه السلام) در توصیف زمان ظهور می‌فرمایند: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَامِلَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ؛ هنگامی که قائم (عج) قیام کند نیازمندی از جیب برادر دینی خود به قدر نیازش برمی‌دارد و او مانع نمی‌شود.^{۱۰}

برخی از شهدای دوران دفاع مقدس این فرهنگ دینی و به تعبیری مهدوی را در عمل نشان دادند. آقای قالیباف از فرماندهان دوران دفاع مقدس و از دوستان شهید باکری، در پست اینستاگرامی خود نوشت: یکی از کارمندان شهرداری ارومیه می‌گفت: تازه ازدواج کرده بودم و با مدرک دیپلم، دنبال کار می‌گشتم. از پله‌های شهرداری بالا رفتم یکی از کارکنان شهرداری را دیدم، از او پرسیدم: آیا اینجا کاری برای من هست؟ تازه ازدواج کرده و دیپلم دارم. کاغذی از جیبش درآورد، امضا کرد و به دستم داد و گفت: بده فلانی، اتاق فلان. رفتم و کاغذ را به دستش دادم. امضا را که دید، گفت: چی می‌خواهی؟ گفتم: کار. گفت: فردا بیا سرکار. باورم نمی‌شد. فردا رفتم و مشغول شدم. بعد از چند روز فهمیدم آقایی که امضا داد، شهردار ارومیه، آقای مهدی باکری بود. چند ماه کارآموز بودم. تا این که یکی از کارمندان، بازنشسته شد، من جای او مشغول شدم. شش ماه بعد جناب شهردار،

۱- در جمع دانشجویان طرح ولایت، آبدلی، سال ۹۳
۲- بر فراز آسمان، گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، ص ۱۰۵
۳- مهتاب خین، خاطرات شفاهی شهید سردار همدانی از دفاع مقدس، حسین بهزاد
۴- کتاب عارفانه، خاطرات شهید احمدعلی نیری، مؤسسه شهید ابراهیم هادی
۵- الغیبه نعمانی، ج ۲۱، ص ۳، ص ۴۴۱
۶- ایرنا، کد خبر ۸۴۰۵۱۶۹۳
۷- آموزش قرآن از خاطرات شهید جواد فکوری
۸- یک جلد خاطره از خاطرات شهید محمد جهان آرا
۹- آسمان (بابائی به روایت همسر)، نویسنده: علی مرج، ص ۲۵
۱۰- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۶۴، ص ۳۷۲
۱۱- آسمان (بابائی به روایت همسر)، نویسنده: علی مرج، ص ۳۰

غذای مقدس

خبرنگاران خارجی می پرسیدند: سیب زمینی و تخم مرغ برای شما غذای مقدسی است؟ شما تخم مرغ را سمبل چیزی می دانید؟! از بس که غذای بیت امام تکراری بود؛ تخم مرغ پخته با سیب زمینی یا اشکنه.

کوفه

با آن تابستان های گرم نجف، حاضر نشد کولر بخرند. یک کولر توی حیاط بود برای جلسات عمومی شبانه که آن هم پوشال نداشت. پره اش می چرخید و باد گرم را توی صورت ها می زد. بزرگان نجف یک خانه هم در کوفه داشتند؛ امام همان خانه کوچک نجف را داشت و تمام.

با آن هوای گرم و خشک و با آن سن امام، هرچه دیگران اصرار کردند که تابستان ها به کوفه برود که خنک تر است، قبول نکرد. یک بار یکی از دوستانش کلی مقدمه چینی کرد و از بیمارهایی که توی کوفه خوب شده بودند گفت و اینکه هوای نجف، زهری است که پادزهرش هوای کوفه است و... امام یک لبخند زده و گفتند: من چطور به کوفه بروم، خوش بگذرانم، وقتی بچه های مسلمان توی ایران گرفتار سیاه چال و شکنجه هستند؟

منزل

سعدون شاکر، رئیس سازمان امنیت عراق، برای خط و نشان کشیدن آمده بود. رو به امام کرد و گفت: حضرتعالی در صورتی می توانید در عراق به زندگی عادی خود ادامه دهید که از کارهای سیاسی که روابط ما با ایران را تیره می کند، خودداری کنید. در صورت ادامه کارهای سیاسی، باید عراق را ترک کنید. امام اشاره ای به زیلوی اتاق کرد و گفتند: هر جا بروم، اگر این فرش را پهن کنم، همان جا منزل من می شود. من از آن روحانی هایی نیستم که به خاطر علاقه به زیارت، از مبارزه دست بکشم.

باهوش ترین سیاستمدار

مایک والاس، گزارشگر تلویزیون آمریکا در برنامه کانال چهار تلویزیون آمریکا از خاطرات دوران خبرنگاری خود و دیدارش با امام می گفت: او باهوش ترین سیاستمداری است که من دیده ام. نفوذ خاصی روی مصاحبه کنندگان داشت و به جای اینکه من از ایشان سؤال کنم، او مرا اداره می کرد. من هیچ مطلب تازه ای غیر از آنچه خود آیت الله می خواست بگویم، نتوانستم از زیر زبان او بیرون بکشم... زندگی بسیار ساده ایشان، او را از دیگر رهبران دنیا متمایز می کرد... او مرا و همه رجال دیگر دنیا را که به حضور می پذیرفت، روی فرش ساده، می نشاند و ما مجبور بودیم کفش های خود را دم در، از پا درآوریم و از همان ابتدای کار بفهمیم با مردی متفاوت سر و کار داریم.

ترس

آن شب ملی گراها می خواستند کودتا کنند. پیش امام رفته و به ایشان گفتیم: احتمال دارد اینجا را با هواپیما، بمباران کنند. بهتر است شما جای دیگری تشریف ببرید. گفتند: من نمی ترسم. اگر شما می ترسید توی پناهگاه بروید. من اینجا سر جایم، محکم ایستاده ام.^۱



ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب حجت الاسلام دکتر محمود متوسل

مدیرعامل بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج کشور



که مردم رهبری ایشان را در این انقلاب پذیرفتند. این ویژگی است که در هیچ یک از انقلاب‌های سده‌های اخیر، وجود نداشته است. البته در برخی حرکت‌ها، روحانیت و مرجعیت، نقش داشته‌اند، چه در ایران و چه در عراق و چه در کشورهای دیگر؛ مانند حرکت مشروطه و امثالهم، اما هیچ وقت کار، به انقلاب و نفی حکومت طاغوت نرسید، حرکت‌هایی بود که اصطلاحاً حرکت‌های اصلاحی تلقی می‌شد.

ویژگی دوم اینکه آگاهی مردم و شناخت مردم از وظایف خود و آمادگی برای مبارزه با استکبار جهانی و مبارزه با طاغوت، به گونه‌ای رقم خورد که هم شاه را از این کشور بیرون کرد و هم بزرگترین حرکت را علیه آمریکا در منطقه ایجاد نمود و دست زد، به سلطه‌ی آمریکا به عنوان یک استکبار جهانی زد و این خود در راستای قیام حضرت مهدی عج است که مبارزه‌ی ایشان با ظلم و بیداد، جهانی است.

ویژگی سومی که باید به آن توجه کنیم آگاه سازی مردم جهان بود و به تعبیر امام عج، صدور انقلاب اسلامی است. صدور انقلاب اسلامی صدور توپ و تانک نیست، بلکه صدور تفکر مبارزه با استکبار جهانی بود که می‌بینیم امروز در اقصی نقاط دنیا، این تفکر وجود دارد و امروز می‌بینیم بسیاری از مردم جهان و ملت‌ها به این نتیجه رسیده اند که تا وقتی

انقلاب اسلامی ایران با همه‌ی انقلاب‌ها و حرکت‌های مردمی که تاکنون اتفاق افتاده، تفاوت‌های اساسی دارد و دارای ویژگی‌های منحصر به فردی می‌باشد که این نشان‌دهنده‌ی این است که ان شاء الله این انقلاب، زمینه‌ساز ظهور حضرت خواهد بود.

اولین ویژگی منحصر به فرد انقلاب اسلامی در ایران، این بود که رهبری انقلاب، بر عهده یک مرجع تقلید بود که مردم در زمان غیبت، ایشان را به عنوان نائب امام زمان عج، لازم‌الاطاعه دانسته و به همین جهت آن چه ایشان می‌فرمودند به عنوان حکم دینی و الهی و به عنوان اطاعت از کسی که اطاعتش در دوران غیبت واجب است، پذیرفته می‌شد. به عبارت دیگر در دوران غیبت، کسی که از جانب حضرت، به عنوان ولایت بر مردم و حاکم بر ایشان شناخته می‌شود، فقیه جامع‌الشرایط است

بهترین راه، پیروی از منویات مقام معظم رهبری که به صورت‌های مختلف در بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها و بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، مشخص فرموده‌اند، می‌باشد تا این که بتوانیم ان شاء الله این پرچم را به دست صاحب و مولای خودمان امام زمان عج برسانیم

به نظر من چون تشخیص وظیفه و تشخیص راه در این شرایط، کار سختی است و اگر هر کسی بخواهد از ظن خود کاری را انجام دهد، شاید این کارها به جای اینکه همسو و هم‌جهت باشد و موجب رشد و پیشرفت شود، موجب تقابل و تضاد گردد، پس بهترین راه، پیروی از منویات مقام معظم رهبری که به صورت‌های مختلف در بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها و بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، مشخص فرموده‌اند، می‌باشد تا این که بتوانیم ان شاء الله این پرچم را به دست صاحب و مولای خودمان امام زمان عج برسانیم.



نظام سلطه، بر این جهان حکومت می‌کند، عدالت برقرار نمی‌شود و حقوق مردم مراعات نمی‌گردد. امروز در آفریقا، آمریکای لاتین، آسیا، خاورمیانه و در نقاط مختلف جهان، حرکت‌های مختلفی آغاز شده که نهایتاً منجر به ایجاد جبهه‌ی مقاومت گردیده است که الان در منطقه‌ی خاورمیانه، به صورت مستقیم در حال مبارزه با آمریکا و اسرائیل است. پس می‌توان گفت انقلاب اسلامی، نقش زیادی در جهت آگاه سازی مردم جهان در مقابله با استکبار جهانی داشته و به آن‌ها آموخته که باید در مقابل دشمن قیام کرد و مقاومت نمود.

به عبارت دیگر اگر بخواهیم قیام امام زمان عج را در دو بُعد خلاصه کنیم، یکی مبارزه با ظلم و استبداد و دیگری برپایی عدل و داد؛ انقلاب اسلامی در هر دو جهت، هم در ایران و هم در منطقه، تلاش کرده و امیدواریم این زمینه‌سازی را فراهم کرده باشد.

لذا به نظر می‌رسد مسیری که تا الان آمده‌ایم مسیر درستی بوده چرا که مقام معظم رهبری که جانشین خلف حضرت امام عج می‌باشند، به دقت این مسیر را رصد و دنبال کرده‌اند و تلاش زیادی برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی نموده‌اند.

اکنون باید همگی با پیروی از مقام معظم رهبری در جهاتی که می‌فرمایند و راهی که نشان می‌دهند، این مسیر را دنبال کنیم.

آمادگی

استاد حاج شیخ علیرضا حدائق

مدیر بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج فارس



گفت تغییر نگرش عمومی به آموزه مهدویت از یک مسأله فرعی به عنصری حماسی و تحول آفرین، از دستاوردهای ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به شمار می‌آید.

رهبرکبیر انقلاب اسلامی امام خمینی ره، به تأسی از فرهنگ اهل بیت علیهم السلام در مقابل ظالمان زمان، هم چون جدّ بزرگوارشان امام حسین علیه السلام برای اصلاح امور جامعه، ایستادگی و قیام کردند. در مقابل ظلم ایستادند و در نهایت آثار و برکات مقاومت ایشان به تشکیل نظام اسلامی منجر شد که ما وظیفه داریم آن را حفظ کرده و به دست صاحب اصلی آن امام زمان عج برسانیم.

پس لازمه‌ی تشکیل حکومت مهدوی، آمادگی مردم برای پذیرش عدالت و مبارزه‌ی با ظلم و جور است. انتظار برای آمدن یک مُصلح عدالت‌گستر، که مردم را رهبری کند. حقیقت انتظار، در آمادگی برای ظهور حضرت حجت عج نهفته شده و یکی از ضروریات این آمادگی، تقوا و کرامت نفس است. حضرت، زمانی ظهور می‌کنند که یاران آماده‌ای داشته باشند زیرا ایشان، می‌خواهند جهانی را اصلاح کنند. پس منتظران حضرت، باید خود را به محاسن اخلاقی آراسته کرده و از رذایل اخلاقی دور نمایند.

لذا آن چه قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی عج را از

قبل از انقلاب اسلامی نگرش اکثریت مردم جامعه نسبت به مهدویت و توجه متدینین به امام زمان عج به عنوان یک منجی و نجات بخشی بود که در آینده نامعلوم خواهد آمد. هم چنین نگاه‌ها، متمرکز به اصل ظهور شده بود و انفعال و سکون و بی‌حرکی دیده می‌شد. بنابراین چشم انداز روشنی برای اصلاح امور جامعه وجود نداشت و نسبت به زمینه سازی در عصر غیبت نگاهی نبود. هم چنین به اصل تولی توجه می‌شد اما مردم تأکید و توجهی بر تبری جویی نداشتند.

اما با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، در چرخشی مبنایی، رویکردی جدید از آموزه مهدویت ارائه شد یعنی نگاه‌های عامه‌ی مردم نسبت به مقوله مهدویت، تغییر کرد و متدینین متوجه شدند که تلاش در زمینه سازی برای ظهور باید در جامعه نهادینه شود. پس به یقین می‌توان

پس به یقین می‌توان گفت تغییر نگرش عمومی به آموزه مهدویت از یک مسأله فرعی به عنصری حماسی و تحول آفرین، از دستاوردهای ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به شمار می‌آید.

ضامن سلامت فکری و عملی فرد و جامعه باشد.

منتظران واقعی، با درک صحیح معنای انتظار، می‌کوشند زمینه ظهور امام زمان ع را ایجاد کنند یعنی آنان هم، به تهذیب نفس و خودسازی می‌پردازند و هم با امر به معروف و نهی از منکر، سعی در ساختن جامعه دارند.

آری! آمادگی جوهره‌ی اصلی انتظار و وظیفه قطعی منتظران است و باید در زمینه‌های مختلف معرفتی، فکری، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و.... ایجاد شود تا ان شاءالله زمینه‌ی ظهور موفور السرور حضرت را فراهم نماید.



دیگر انقلاب‌ها، متمایز و ممتاز می‌سازد، دگرگونی‌های اعتقادی و باور انسان‌ها است یعنی سطح افکار مردم جهان چنان بالا می‌رود که تفاوت رنگ، نژاد، زبان و سرزمین، نمی‌تواند آن‌ها را از هم جدا سازد. بینش مردم چنان بالا می‌رود که می‌توانند حق را از باطل تشخیص داده و تسلیم دشمنانی نشوند که می‌کوشند لباس باطل بر چهره حق، بپوشانند تا مردم را از آن روی گردان کنند.

بنابراین قیام حضرت مهدی ع بیش از هر چیز، نیاز به یاورانی شایسته و لایق، برای پشتیبانی از قیام و انقلاب مهدوی و انجام کارهای حکومت جهانی دارد و این به ایجاد انواع آمادگی در خود برای پیاده کردن آن برنامه عظیم نیازمند است. یاوران امام، در راه تحقق آرمان‌های جهانی امام مهدی ع مشکلات و ناگواری‌ها را به جان خریده، اما از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را ناچیز می‌شمارند. آن‌ها علاوه بر اصلاح خود، سعی می‌کنند با عمل خود، محیط پیرامون خود را تحت تأثیر قرار دهند. این افراد در جامعه، نه تنها خود را از انحرافات اعتقادی و عملی، به دور نگه می‌دارند؛ بلکه سعی در ساختن و اصلاح کردن جامعه نیز دارند. لذا انتظار و ایجاد آمادگی برای ظهور حضرت، نه تنها یک عمل فردی که یک کار جمعی و تشکیلاتی است که به طور مداوم، جامعه و افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند

جنگ ترکیبی یا Hybrid warfare به یک راهبرد جنگی گفته می‌شود که دشمن در آن، از تمام ظرفیت‌های خود برای سلطه، غلبه و استیلا بر هدف خود، به صورت هم‌زمان و یک پارچه استفاده می‌کند. هر چند که استفاده از لغت جنگ، ذهن ما را به سمت جنگ سخت و کشتار فیزیکی می‌برد اما در جنگ ترکیبی، یکی از این ابزار یا حتی آخرین آن، می‌تواند جنگ سخت باشد و از شیوه‌های مختلف و متنوعی برای جنگیدن استفاده می‌گردد که به اختصار به آن اشاره می‌گردد.

بعد از بیان معنای جنگ ترکیبی که در بالا اشاره شد لازم است به نکاتی از جمله هدف از جنگ ترکیبی و شیوه‌های این نوع جنگ بپردازیم.

هدف جنگ ترکیبی

در اینجا با ذکر یک مثال می‌توان هدف از جنگ ترکیبی را متوجه شد. فرض کنیم صیادی برای به دست آوردن عاج گرانبه‌ای یک موجود عظیم الجثه‌ای مثل فیل که شکارش فوق العاده سخت است، چه ابزاری را نیاز دارد و از چه روشی‌هایی استفاده می‌کند؟ ایجاد تله، داشتن اسلحه شکار، همراه بردن سگ‌های تربیت شده، داشتن طعمه جهت تغذیه فیل و حتی مطالعه یا استفاده از تجربه شکارچیان دیگر، می‌تواند او را در رسیدن به هدفش یاری نماید. شاید اسلحه برای او مهم باشد اما صرفاً با داشتن اسلحه، ممکن است نتواند فیل را شکار کند. لذا نیاز به طراحی یک نقشه، برای به دام انداختن فیل یا کشتن و در نهایت به دست آوردن عاج او دارد. بهترین شیوه، استفاده از تمام ظرفیت‌ها برای شکار است چرا که ممکن است فقط استفاده از یک ظرفیت، شکارچی را به هدف خود نرساند. وقتی از همه ظرفیت‌ها استفاده شود، فیل با آن همه قدرت، ضعیف شده و در اختیار شکارچی قرار می‌گیرد. این عمل، درست همان هدف جنگ ترکیبی است. در جنگ ترکیبی، دشمن از همه ظرفیت‌های موجود استفاده می‌کند تا حریف خود را به استضعاف بکشد تا بتواند به طور کامل، بر حریف خود غلبه پیدا نماید؛ حال این که اگر بخواهد از یکی از ظرفیت‌های خود بهره‌بردارد، یا ممکن است به شکست منجر شود یا نتواند غلبه لازم و مکفی را داشته باشد.

شیوه‌های جنگ ترکیبی

شیوه‌های جنگ ترکیبی چیست؟ چرا جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب ۵۷ تاکنون با توجه به بسیاری از پیشرفت‌های چشمگیری که در زمینه‌های مختلف کسب کرده اما هنوز درگیر فتنه‌های مختلفی است؟

فهم جنگ ترکیبی و شیوه‌های آن، می‌تواند به ما کمک کند تا به پاسخ این دو سوال برسیم. کشور ما حتی از سال‌های قبل از انقلاب، گرفتار جنگ ترکیبی بوده و انقلاب اسلامی با همه قدرت و پیشرفت‌های مختلف، هنوز نتوانسته غلبه کاملی بر جنگ ترکیبی دشمن داشته باشد. از طرفی دشمن، با قدمت و قدم‌های جلوتر از انقلاب، پا به این عرصه گذاشته و از طرفی مانع و معارض‌های متعدد در طی سال‌های انقلاب در قالب جنگ ترکیبی، مجال را از جبهه انقلاب گرفته و اجازه نداده ما به صورت کامل به اهداف و آرمان‌های انقلاب برسیم. به صورت کلی در عرصه

جنگ ترکیبی ما مواجه با شش حوزه کلان هستیم که هر حوزه خود دارای یک جنگ ترکیبی است. این شش حوزه که سلطه گاه دشمن و نظام امپریالیست است عبارت است از:

۱. سلطه جانی (سلطه جهت به قلت کشیدن نفوس)
۲. سلطه سیاسی (نفوذ در ارکان مسئولین)
۳. سلطه فرهنگی (اعمال فرهنگ و سبک زندگی خاص در قالب فعالیت‌های رسانه ای)
۴. سلطه جغرافیایی (از بین بردن حاکمیت بر مرز و بوم رسمی و تقویت جدایی طلبی)
۵. سلطه اقتصادی (در اختیار گرفتن گلوگاه‌های اقتصادی در سطوح ملی و بین المللی و ایجاد فشار بر اقشار مردم)

۶. سلطه فناوری (تحریم رشد علمی و ایجاد وابستگی به فناوری دشمن)
نکته حائز اهمیت این است که گاه یک حوزه کلان، تلفیقی از حوزه‌های دیگر است. اینجا است که ما با مفهوم جنگ ترکیبی بیشتر آشنا می‌شویم. به طور مثال یکی از حوزه‌های بستر کلان، سلطه جانی است. در این حوزه دشمن، برای به قلت کشیدن نفوس انسان‌ها از راه‌های مختلفی استفاده می‌کند که به برخی از آنها که در کشور خودمان مسبوق به سابقه است؛ اشاره می‌کنیم.

از یک طرف ایجاد جنگ سخت در مدت ۸ سال دفاع مقدس با بیش از دویست هزار شهید و بیش از پانصد هزار جانباز، از طرف دیگر تجهیز ارتش عراق و تحریم ایران برای استفاده از سلاح‌های روز دنیا در این جنگ نابرابر، تلفیقی از یک جنگ ترکیبی است. سلطه جانی (کشتن مردم با سلاح‌های روز دنیا و ایجاد ترورهای مکرر و بالابردن سطح ناامنی در کشور)، سلطه سیاسی (نفوذ در برخی مسئولین مانند بنی صدر و تقویت فرقه رجوی)، سلطه جغرافیایی (تصرف بخشی از خاک کشور و ایجاد شعارهای جدایی طلبانه و تلفیق این سلطه با سلطه فرهنگی)، سلطه اقتصادی (تحریم اقتصادی ایران جهت فلج نمودن کشور در رفع نیازهای جنگ و مردم) و سلطه فناوری (دور نگه داشتن ایران از دانش تولید اسلحه و عدم بهره‌وری از سلاح‌های ساخت دیگر کشورها). هم چنین سلطه جانی را در ارمغان غذاهای ناسالم مانند تبلیغ استفاده از مشروبات الکلی که یکی از مرگ‌آورترین نوشیدنی‌هایی است که بشر استفاده می‌کند و رشد فزاینده فست فودها و در نتیجه پایین آمدن سیستم ایمنی بدن و آسیب پذیر شدن در مقابل انواع بیماری‌ها، ترورهای بیولوژیک، ایجاد بیماری‌های آزمایشگاهی مانند ویروس‌های ایدز و کرونا در سال‌های اخیر شاهد هستیم و حتی استفاده از سلطه فرهنگی مانند تبلیغاتی که امروز در رسانه‌ها می‌بینیم که خانواده‌ها را به جای فرزند آوری به داشتن حیوانات با عنوان رنگ و لعاب دار، حیوان خانگی امر می‌کنند، همه و همه برای ریزش شدید در نسل‌ها و انسان‌هایی است که دیگر عقبه‌ای برای مقابله با دشمنان نداشته باشند و مردم را مجبور به پذیرش سلطه جانی در یک جنگ ترکیبی که تلفیقی از حوزه‌های مختلف کلان جنگ ترکیبی است، نمایند.



کلام دلنشین

چگونگی لغو قراردادها

در هند، اول کمپانی هند شرقی را راه انداختند، بعد که پیش رفتند، حکومت هند را تصرف کردند، هند شد یک قسمتی از امپراتوری انگلیس. حُب، در ایران [هم] می خواستند همین کار را بکنند. یکی از اولین کارهایی که کردند قضیه‌ی انحصار تنباکو بود تا انحصار کشت و خرید و فروش تنباکوی کشور در اختیار انگلیس باشد. میرزای شیرازی، مرجع تقلید شیعه، در سامرا فهمید که پشت این قضیه چیست، با یک فتوا این قرارداد را به هم زد و از بین برد. یکی دیگر از مهم‌ترین قراردادهایشان، قرارداد وثوق‌الدوله بود که در سال ۱۹۱۹ م یا ۱۲۹۹ ش، انگلیس‌ها به نخست‌وزیر وقت ایران (میرزا حسن وثوق) رشوه‌ی مفصلی دادند و این قرارداد را بستند. این قرارداد اقتصاد و سیاست و ارتش و نظام و همه چیز ایران را در اختیار انگلیس‌ها قرار می‌داد. منتها شهید مدرس در مجلس شورای ملی آن زمان، یک‌تنه در مقابل این قرارداد ایستاد، افشاگری کرد و نگذاشت به نتیجه برسد، این قرارداد هم باطل شد.^۱

راه حل انگلیسی

دولت انگلیس دید این‌جوری نمی‌شود و آن نقشه‌ای که در هند عمل کرد، در ایران عملی نیست. به فکر افتاد که باید یک دولت دیکتاتورِ خشن ۱۰۰٪ وابسته‌ی به خودش را در ایران سر کار بیاورد تا دیگر دغدغه، نداشته باشد و هر کاری می‌خواهد، در ایران به وسیله‌ی خود آن دولت انجام دهد. رضاخان قزاق را پیدا کرد؛ رضاخان همان کسی بود که انگلیسی‌ها احتیاج داشتند؛ آدمی بود بسیار بی‌رحم، خشن، گستاخ، بی‌سواد بی‌اطلاع از معارف و مانند اینها، بی‌تقوا و بی‌ایمان؛ یک آدم این‌جوری را پیدا کردند. از ضعف پادشاه قاجار که احمدشاه بود استفاده کردند، به وسیله‌ی رضاشاه و یک نفر دیگر - سیدضیاء طباطبائی که بعد او را کنار زدند - در ایران کودتا راه انداختند؛ رضاخان را اول کردند فرمانده کل قوا، بعد نخست‌وزیر، بعد شاه ایران.... اول کاری که به دست رضاشاه کردند روحانیت را منکوب کردند. ملت را به شدت مرعوب کردند.... او آن کاری را که انگلیس‌ها مایل بودند در ایران انجام بگیرد، یعنی تصرف منابع مالی و اقتصادی، همه را انجام داد... تا این که دیدند او دیگر به درد نمی‌خورد؛ سال ۱۳۲۰ شمسی رضاشاه را برکنار کردند.^۲

شرط اعتماد

در اوایل رفتن رضاخان که هنوز تکلیف سلطنت در ایران درست معلوم نشده بود، سفیر انگلیس در تهران به کسی که از طرف محمدرضا به او مراجعه کرده بود که تکلیف خودش را بداند، می‌گوید: چون بر طبق اطلاعات ما، محمدرضا به رادیو برلین، گوش می‌کند و پیشرفت‌های آلمان را روی نقشه، پی می‌گیرد، پس مورد اعتماد ما نیست. آن شخص، خبر را به محمدرضا می‌دهد. او هم گوش کردن به رادیو برلین را ترک می‌کند و کنار می‌گذارد! آن وقت سفیر انگلیس می‌گوید: حالا دیگر عیبی ندارد؛ می‌شود او را برای سلطنت انتخاب کرد.^۳

﴿﴾ ارزان تر از آب

در این مملکت، منبع ثروتی به نام «نفت» کشف شد. کشف نفت، به منزله‌ی این بود که ملتی، گنج پیدا کند. تا این گنج در این مملکت کشف و پیدا شد، یک عده از خارجی‌ها و عمدتاً انگلیسی‌ها - که گناه این کار به گردن انگلیسی‌هاست - به ایران آمدند، بر سر این گنج نشستند، سال‌های متمادی، این گنج را استخراج کردند و خوردند؛ بی آن‌که به روی مبارکشان بیاورند که این غصب مال ملت ایران است! آیا این غصه ندارد؟! واقعاً مسأله‌ی نفت، یکی از مسائل فوق‌العاده تلخ ملت ایران است که هنوز درست باز نشده است.^۴

﴿﴾ علت عصبانیت

انگلیس و آمریکا بر سر چاه‌های نفت و در واقع گنج نفت ایران نشستند و تا آن‌جا که توانستند، برداشتند و بردند... حال می‌فهمید که چرا آمریکایی‌ها عصبانی‌اند؟ حال می‌فهمید که وقتی دولتمردان امروز آمریکا... دور دنیا، راه می‌افتند و این‌جا و آن‌جا می‌گویند: ما می‌خواهیم دولت ایران را زیر فشار بگذاریم تا سیاست‌های خود را عوض کند، این سیاست‌ها چیست که می‌خواهند عوض شود؟ اینها کسانی بودند که روزگاری، شاه ایران... از سفیر ایشان؛ یعنی سفیر انگلیس و سفیر آمریکا در تهران، حرف‌شنوی داشت و هر چه آن‌ها در مسائل اساسی این کشور می‌گفتند، انجام می‌داد. اما امروز با نظام و دولتی در ایران مواجه‌اند که از صد عامل در مسائل اساسی کشورش، یک مورد هم منطبق با خواست آمریکا نیست. با نظامی مواجه‌اند که در بدو استقرار، اولین کارش قطع کردن امتیازات این‌ها بود.^۵

﴿﴾ اعتماد

در ۲۸ مرداد یک حکومت ملی سر کار بود. حکومت مُصدّق یک حکومت ملی بود؛ مشکلیش هم با غربی‌ها فقط مسئله‌ی نفت بود؛ نه حجت‌الاسلام بود، نه داعیه اسلام‌خواهی داشت؛ فقط مسئله‌ی نفت بود. نفت، دست انگلیس‌ها بود، او گفت نفت دست خودمان باشد؛ جرمش فقط این بود... آمریکایی‌ها نشستند علیه مُصدّق توطئه کردند، با اینکه مُصدّق به آمریکایی‌ها خوش‌بین بود، نسبت به آن‌ها اعتماد داشت، حتی علاقه داشت و فکر می‌کرد دولت آمریکا در مقابل انگلیس از او حمایت خواهد کرد؛ [اما] این‌ها از پشت خنجر زدند؛ این‌ها مأمور خودشان را - که اسم آن مأمور، کیم روزولت بود - فرستادند ایران، با انگلیس‌ها هماهنگ کردند، او با یک چمدان پُر از دلار رفت سفارت انگلیس - سفارت آمریکا هم نرفت - با چند نفر نظامی خائن هماهنگ کرد، با چند عنصر وابسته‌ی به انگلیس هماهنگ کرد، الوات و اوباش را هم جمع کرد، نظامی‌ها را کشاند و روز ۲۸ مرداد، آن کودتای ننگین را به وجود آورد، و مُصدّق و اطرافیانش همه دستگیر شدند؛ بعضی را بعدها اعدام کردند، بعضی را هم سال‌های متمادی زندانی کردند.^۶

﴿﴾ آغاز اختلاف

اختلاف ملت ایران با آمریکا از روز ۲۸ مرداد است. چرا شما کودتا کردید و یک دولت ملی را که با انتخاب مردم، سر کار آمده بود سرنگون کردید؟ و نفت را که از چنگ انگلیس‌ها درآورده بود، دادید به یک کنسرسیومی^۷ که در آن انگلیس بود، آمریکا بود، چند دولت دیگر [هم] بودند؛ یعنی از چاله در آمدن و افتادن در چاه. شروع دعوای ما با آمریکایی‌ها، از آن روز است.^۸

وضع مملکت

آدمی پا می شود از این جا می رود آمریکا - دکتر امینی - برای این که آمریکائی‌ها را قانع کند که بشود نخست‌وزیر در ایران. آمد و نخست‌وزیر شد! بعد از یکی دو سال، شاه که با او مخالف بود، بلند شد رفت آمریکا، آمریکائی‌ها را قانع کرد که او را از نخست‌وزیری عزل کند. آمد، او را از نخست‌وزیری عزل کرد! این، وضع مملکت ما بود. برای انتخاب نخست‌وزیر، شاه مملکت، رئیس کشور، محتاج موافقت و رضایت آمریکا بود! در بسیاری از مسائل، شاه، سفیر آمریکا و سفیر انگلیس را به کاخ خود دعوت می کرد تا تصمیمی را که می خواهد بگیرد، با آنها در میان بگذارد! اگر آن‌ها مخالف بودند، تصمیم عملی نمی شد. وابستگی سیاسی یعنی این. مَطیح آمریکا بودند؛ قبل از دوره‌ی آمریکا هم مَطیح انگلیس.^۹

خفت بارترین قانون

کاپیتولاسیون یک اصطلاح سیاسی است؛ معنایش این است که کارکنان یک کشوری در کشور دیگر مُصونیت داشته باشند؛ یعنی آنچه در ایران به وسیله‌ی دولت خائن پهلوی، تصویب شد این بود که کارکنان آمریکا در ایران مُصونیت داشته باشند به معنای این که هر جنایتی کردند، در دادگاه‌های ایران نباید محاکمه شوند؛ این قانون کاپیتولاسیون بود. این جزویکی از خفت‌بارترین قانون‌ها است؛ یعنی اگر فرض کنید یک آمریکایی مست، در خیابان سوار ماشین، بزند ده نفر را از بین ببرد، دادگاه‌های ایران حق ندارند این شخص را محاکمه کنند؛ باید بفرستند آمریکا، آن جا محاکمه شود. این قانون را در دولت پهلوی تصویب کردند، یک صدا در مخالفت با این قانون بلند شد - یک صدای رسا - و آن صدای امام بزرگوار بود؛ امام ایستادند، سخنرانی کردند، گفتند ما زیر بار این قانون نمی‌رویم؛ لذا امام را دستگیر و تبعید کردند.^{۱۰}

علم و فناوری

قبل از انقلاب، تکیه‌ی علم و فناوری کشور به طور کامل با غرب بود. بعضی از قطعات هواپیماهای نظامی ما را که خراب شده بود، اجازه نمی‌دادند مهندسین داخلی نیروی هوایی، این قطعه را باز کنند، ببینند چی هست، چه برسد به اینکه به فکر درست کردنش بیفتند. قطعه را می‌گذاشتند توی هواپیما، می‌بردند آمریکا، یکی به جایش می‌آوردند؛ یا اگر بنا بود اصلاحش کنند، اصلاحش می‌کردند. صنعتی که وجود داشت، صنعت مونتاز محض بود، بدون هیچ ابتکاری.^{۱۲}

- ۶- بیانات در دیدار با دانش‌آموزان ۱۴۰۱/۸/۱۱
- ۷- شرکتی بزرگ، متشکل از چند شرکت که برای انحصار در استفاده و بهره‌برداری تشکیل می‌شود
- ۸- بیانات در دیدار با دانش‌آموزان ۱۴۰۱/۸/۱۱
- ۹- خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۸۹/۱۱/۱۵
- ۱۰- دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۴۰۲/۸/۱۰
- ۱۱- همان
- ۱۲- خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۸۹/۱۱/۱۵

- ۱- دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان، ۱۹/۰۲/۸۴
- ۲- بیانات در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۴۰۲/۸/۱۰
- ۳- بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۷۴/۳/۱۴
- ۴- خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۷۳/۱۱/۱۴
- ۵- همان

جمله کوتاه، خیال ما را راحت کردند: این رژیم به اندازه سررسید مهلت این اخطاریه، دوام نمی‌آورد که بخواهد شما را به ایران برگرداند. واقعاً چنین شد و رژیم شاه بعد از حدود ۱۳ روز، سقوط کرد.^۲

تقوایشان دیوانه‌ام کرده!

هر بار که آن‌ها را برای بازجویی می‌آوردیم، خودشان را با پتو می‌پوشاندند تا معلوم نشوند. یعنی پتو تا زیر دماغ آن‌ها بود. موقع بازجویی هم به سوالات جواب نمی‌دادند. من یک بار هم، چشم اینها را ندیدم. همیشه سرشان، پایین بود و می‌گفتند: ما با نامحرم، صحبت نمی‌کنیم. اگر هم مطلبی دارید روی کاغذ بنویسید ما هم روی کاغذ جواب می‌دهیم.

گریه

یکی از روزهای آخر عمر شاه، در قاهره بود. خبرنگار بی‌بی‌سی از او پرسید: تجربه‌ی تبعید چگونه است؟ گفت: امروز من آینده را پشت سر گذاشته‌ام. بیماری، وجودم را تحلیل می‌برد و مثل پدرم در غربت خواهم مُرد. ولی یک تفاوت وجود دارد که من توانستم ۶ سال بعد از مرگ او، جنازه‌اش را به وطن برگردانم، ولی گمان نمی‌کنم دیگر جنازه‌ی من به ایران برگردد. خبرنگار پرسید: آیا احساس پشیمانی دارید؟ شاه جواب داد: شاید در تقسیم املاک، بین محرومان تعلق کردم. شاید نباید این طور با روحانیت درمی‌افتادم و شاید نمی‌بایست مسیر غربی ترقی را چنین می‌پیمودم. باید

کوتاه اما شنیدنی

تقوای آن‌ها مرا دیوانه کرده بود! این‌ها را منوچهری شکنجه‌گر ساواک می‌گفت^۳

ثواب

گفتند: اگر دوباره پشت سر دربار، صحبت کنی عکس تو را همراه زنان بدکاره، پخش می‌کنیم. گفتم: من به وظیفه‌ام عمل می‌کنم و این کارها شما را مفتضح‌تر می‌کند. چند روزی از این ماجرا نگذشته بود که عکس‌های ساختگی‌ای از من پخش کردند. ولی این قضیه در مردم اثر نکرد و تأثیر منفی داشت. مثلاً یک روز مردی آمد و با اصرار خواهش کرد که من در مجلس ختم مادرش، شرکت کنم. علت را که جویا شدم گفت: انتقادهای شما از دربار، باعث پخش این عکس‌ها از طرف ساواک شده و من می‌خواهم تا ثواب این انتقادها، به روح مادرم برسد!^۴

تجارت مشروبات الکلی را قدغن و بعضی کاباره‌ها و سینماها را تعطیل و با مواد مخدر مبارزه می‌کردم. حالا بعد از مرگم، تنها سگ خانوادگی‌امان برایم خواهد گریست و دیگر هیچ!^۱

مهلت احضاریه

نامه‌ای توسط ساواک، به دفتر انرژی اتمی در ارلانگن آلمان فرستاده شده بود و از آنها خواسته بودند که پنج نفر از بورسیه‌هایی که برنامه‌های تظاهرات و اعتصاب‌ها را ترتیب داده‌اند ظرف مدت ۱۵ روز به ایران برگردانده شوند. این اخطاریه را نزد امام بردیم. اتاق کوچکی تقریباً به مساحت ۱۲ متر مربع با دو در، روبروی هم با تشکچه‌ای دست دوز در گوشه اتاق، مقر امام بود. امام وارد شدند، سلام کردیم. به ما تعارف کردند که بنشینیم. بلافاصله نامه را تقدیم کردیم، ایشان در چند

وطلاب و مردم در محضر امام مشغول گریه بودند، اما امام مانند کوهی استوار بدون آن که گریه کنند نشستند بودند و به تسلیت افراد، پاسخ می‌گفتند. برای همه، لحظات سنگین و غیر قابل تحملی بود. نمی‌دانستم چه بگویم و چکار کنم! نزدیک امام ایستاده بودم، ناگهان امام با اشاره مرا فراخواندند. به طرف امام رفتم. امام فرمودند: دیشب به شما گفتم ساعت ۹ آن مطلب را به من یادآوری کن! هر چه به مغزم فشار آوردم گوئی اصلاً شب گذشته را به یاد نمی‌آوردم تا چه رسد به جمله امام. با لکنت زبان عرض کردم: آقا ببخشید ... امام فرمودند: فلان مبلغ را برای آقای ... [که پیرمردی فراموش شده، بیمار،

شاه رفتنی نیست
بازرگان امید نداشت که ورق برگردد و رژیم سرنگون شود. همیشه به امام می‌گفت: شما بیاید یک دولت آشتی تشکیل دهید و ما یک انتخابات آزاد برگزار کنیم و نمایندگانمان را به مجلس بفرستیم و کم کم نظام را از دست شاه در آوریم.
به نظر آنها امکان نداشت نظام به کل، عوض شود و شاه از سلطنت، کناره‌گیری کند. یادم نمی‌رود در فرانسه، انگشت خود را روی زمین گذاشت و خطاب به امام گفت: آقا! ایران سه رکن دارد. شاه، آمریکا، ارتش. شاه که رفتنی نیست، آمریکا و ارتش هم که پشت به پشت هم، حامی سلطنت هستند، پس هیچ کاری

کوتاه اما شنیدنی

زمین گیر و فقیر بود] ببر و به ایشان تقدیم کن و سلام و عذر تقصیر مرا به او برسان! تازه مطلب دیشب با دشواری به ذهنم آمد اما از این که امام در این شرایط سخت و ساعات اولیه شهادت حاج آقا مصطفی و در میان ازدحام جمعیت، این را به یاد من آوردند، متحیر و شگفت زده شدم! پول را برداشته و به در خانه آن پیرمرد رفتم. در زدم از پشت در خود را معرفی کردم که از طرف امام آمده‌ام. صاحب خانه باور نمی‌کرد. در را باز کرد، پول را دادم. پیرمرد از شدت گریه نزدیک بود قالب تهی کند] به خاطر توجه و عنایت امام به او و به خاطر مصیبت وارده به امام و بالاتر از همه، این که امام در چنین شرایطی به یاد او بود و او را فراموش نکرده بود.]^۶

شفاعت

امام، علیرغم کارهای زیادی که داشتند با

نمی‌توان کرد. ولی جواب امام یک کلمه بیشتر نبود: شاه باید برود!^۵

هر کاری سر جای خود

مرحوم آقای فرقانی که در طول اقامت امام در نجف، از خدمتگزاران مخلص امام بود، نقل می‌کرد: شب قبل از شهادت آیت‌الله حاج آقا مصطفی، امام به من فرمودند: فردا ساعت ۹ صبح یادآوری کن که شما را نزد کسی بفرستم. هیچ گاه امکان نداشت دستور امام را فراموش کنم. فردا صبح به طرف منزل امام می‌آمدم مشاهده کردم سرکوپه امام، در شارع الرسول ﷺ ازدحام است متعجب شدم نزدیک تر رفتم احساس کردم مردم ناراحت و گریانند. مضطرب شدم شتابان خود را به جمعیت رساندم خبر مصیبت بزرگ و جانکاه شهادت حاج آقا مصطفی دلم را از جا کند، سراسیمه وارد خانه امام شدم. مراجع، علماء

خانم‌ها به دیدنتان بیایند. وقتی شهید مفتاح این پیشنهاد را مطرح نمود، امام فرموده بود: فکر می‌کنید اعلامیه‌های من و سخنرانی‌های شما، شاه را بیرون کرد؟! همین بانوان محترمه بودند که شاه را بیرون کردند. بروید، وسایل رفاه و آسایش آن‌ها را فراهم کنید.^۹

تقاضای ملاقات

ملک حسین پادشاه اردن به طور غیر رسمی، وارد فرودگاه پاریس شده بود و تقاضای ملاقات حضوری با امام را کرده بود. ما منتظرِ نظرِ امام بودیم. مرحوم حاج احمد خمینی از نزد امام برگشت و اعلام کرد: امام ملک حسین را نمی‌پذیرند. ملک حسین در کمال حقارت به اردن برگشت^{۱۰}

کمال ملاحظت و مهربانی، روزانه گاهی خطبه عقد پنج نفر را می‌خواندند. در این مسأله معمولاً آقای صانعی وکیل از طرف مرد و امام وکیل از طرف دختر می‌شدند. روزی امام به دختر خانمی که برای عقد آمده بود، فرمودند: شما مرا وکیل کنید که شما را به ازدواج این مرد درآورم. دختر در جواب امام عرض کرد: من شما را وکیل می‌کنم در دنیا، به شرط اینکه شما در آخرت از من شفاعت کنید. امام مقداری مکث کرده، سپس فرمودند: معلوم نیست من در آخرت شفاعت کنم - اهل شفاعت باشم - ولی اگر خدا به من اجازه شفاعت داد از تو شفاعت می‌کنم.^۷

کوتاه اما شنیدنی

- ۱- ده دوران خاطرات و مخاطرات، حسین میرزاخانی، ص ۴۳۶
- ۲- Avany.com، خاطرات امام
- ۳- تاریخ شفاهی سازمان مهدیون، جلیل امجدی، ص ۱۵۵
- ۴- خاطرات حجت الاسلام محمد تقی فلسفی، ص ۳۳۸
- ۵- برداشت‌هایی از سیره‌ی امام خمینی، غلامعلی رجایی، ص ۲۳۳
- ۶- پا به پای آفتاب، امیر رضا ستوده
- ۷- برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (عج)، ج ۱، ص ۱۶۲
- ۸- خاطرات حجت الاسلام هادی غفاری، ص ۴۲۵
- ۹- برای تاریخ می‌گوییم: خاطرات محسن رفیق‌دوست، سعید علامیان، ص ۱۴۹
- ۱۰- Avany.com، خاطرات امام

صدای انقلاب

ظهر روز ۲۲ بهمن مردم توی میدان ارگ ریختند و رادیو را گرفتند. رادیو، پایگاه توده‌ای‌ها و چپی‌ها شده بود. ما خدمت امام در مدرسه رفاه بودیم که ناگهان، رادیو اعلام کرد: توجه! توجه! این صدای انقلاب است. امام به سرعت از جا بلند شده و گفتند: بروید، نگذارید! صدای انقلاب است یعنی چه؟ صدای انقلاب اسلامی است! ما هم رفتیم و به دستور امام، بچه مذهبی‌ها را در آن جا مستقر کردیم و از آن به بعد، صدای انقلاب اسلامی به گوش می‌رسید.^۸

پاسخ امام

روز اول ۲۰۰ نفر. روز دوم ۴۰۰ نفر و روز سوم ۸۱۷ نفر. آمار خانم‌هایی که در سه روز اول ملاقات با امام، غش کرده بودند. از شهید مفتاح خواستم به امام بگویند: دیگر نگذارید



چگونگی شکل‌گیری حاکمیت جهانی اسلام دکتر سید احمد زرهانی



قائم مقام ستاد اقامه نماز و بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج کشور

استکبار جهانی با سنگ اندازی و مانع تراشی و تحریم‌های ظالمانه، انقلاب اسلامی را در چهار دهه اخیر، با تهدیدهای زیادی مواجه کرده اند و هم چنین با ایجاد جریان‌های انحرافی وابسته به خود، در گرماگرم جدال حق و باطل، جولان داده و در دسر می‌سازند. و لیکن با اتکال به ذات لایزال الهی و تمسک به ثقلین و حضور مردم در صحنه و رهبری حکیمانه، خیلی از تهدیدها به فرصت تبدیل شده و انقلاب در مسیر تکاملی خود، حرکت کرده و در ترویج و تعمیق باور مهدویت و فرهنگ انتظار، کارنامه‌ی ارزشمندی ارائه نموده است. امروز مردم نسبت به نیم قرن پیش مهدی شناس تر شده اند و دایره این حرکت مبارک، از مرزهای ملی فراتر رفته است. غرس شجره‌ی طیبه مقاومت اسلامی در دنیای اسلام، قضاوت‌ها را نسبت به اُم القرای انقلاب، مثبت و متحول کرده، اما دنیای استعمار را پریشان نموده است. طلوع مقاومت اسلامی در منطقه و بیداری مسلمانان در پرتو انقلاب اسلامی، واقعیت تحول آفرینی است که از پیشران‌های ظهور، قلمداد شده و گفتمان جدیدی را به ارمغان آورده است و منشأ تولید ادبیات جدیدی در جهان اسلام گردیده و اندیشکده‌های غربی را به تکاپو انداخته و امید به آینده‌ی دین را ارتقاء داده است.

می توان گفت انقلاب اسلامی، مولود فرهنگ انتظار و اعتقاد به ظهور مهدی موعود عج است. در دوران مبارزه، تمرکز مردم و عالمان دین، روی ایجاد تحول در پرتو معارف قرآن و عترت، با صبغه ظهور منجی، بسیار برجسته بود. هرچند در ریشه یابی انقلاب اسلامی شاهد عوامل فرهنگی، اقتصادی، تاریخی، سیاسی و دینی متعددی هستیم، لیکن اعتقاد به پیدایش حکومت جهانی واحد، به رهبری امام عصر عج نقش بارزی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی داشته است. مردم امام راحل و مقام معظم رهبری را، نایب عام امام عصر عج دانسته و اعتقاد راسخ دارند که فرجام انقلاب، تحقق تمدن نوین اسلامی و اتحاد مسلمین و سرانجام، اقامه عدل و اقامه دین و اتمام نور الهی به دست توانای منجی بشریت است. لذا دشمنان اسلام با کارگردانی

طلوع مقاومت اسلامی در منطقه و بیداری مسلمانان در پرتوانقلاب اسلامی، واقعیت تحول آفرینی است که از پیشران های ظهور، قلمداد شده و گفتمان جدیدی را به ارمغان آورده است

گام سوم: سازماندهی تشکل های مهدوی در بین آینده سازان است. این اقدام نیازمند نیروی انسانی متعبد، معتقد، تیزبین و هوشمند است.

گام چهارم: برنامه ریزی برای جهانی کردن فرهنگ انتظار و تقویت جایگاه بین المللی این اندیشه صائب است. این که فرموده اند؛ در زمان ظهور، حضرت عیسی (علیه السلام) فرود می آید و در رکاب امام زمان (عج) حاضر می شود، نماد پیوستن تمدن غرب به تمدن و نهضت مهدوی و توحیدی در آخرالزمان است.

اتصال حلقه های مهدوی در جوامع اسلامی و نشر مکتوب و مجازی معارف مهدویت و برگزاری اجلاس های سراسری و برون مرزی و سازماندهی رژه های منظم با حضور انبوه جوانان و نوجوانان با نام و نشان منتظران مهدی موعود (عج) از لوازم تحقق گام چهارم است.

حال لازمه ی شکل گیری حاکمیت جهانی اسلام برداشتن گام هایی متعددی است که در اینجا به اختصار به مهم ترین آن ها اشاره می کنیم:

گام اول: مهدویت یک جریان اعتقادی در همه مذاهب اربعه و مکتب اهل بیت است، همه ادیان الهی و حتی مُصلحان اجتماعی، چشم به راه ظهور مُصلح کل هستند. معرفی صحیح مهدویت، به منزله یک آرمان جهان شمول و معطوف به نیاز فطری بشر برای اقامه عدل، ترویج مواسات و مساوات و احقاق حق و ابطال باطل، حائز اهمیت و اولویت است.

گام دوم: خرافه زدایی از فضای فکری اقشاری از گروه های اجتماعی و روشن کردن موضوع انتظار و نقش سازنده آن است. باورهای غلط، زمینه ساز رفتارهای نادرست است. جوانی که با مفهوم این سخن مولای متقیان آشنا شود که فرمود: «انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ»^۱ در کشاکش مشکلات، دستخوش آماج افسردگی و انتحار نمی شود. پس باید ابعاد نظری و عملی انتظار، در رسانه ها و شبکه های اجتماعی و با کمک فناوری ارتباطات و اطلاعات و از طریق برنامه آموزشی در مدارس، دانشگاه ها و حوزه های علمیه تعریف شود و این کار، یکی از وجوه جهاد تبیین به شمار می آید.

۱- بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۳



آینده‌ی دین مدارانه

دکتر مهدی نوید ادهم

عضو هیأت ائمه و هیأت مدیره بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج کشور



تشریح و تدوین نمودند، چرا که رژیم شاهنشاهی، خیلی از ارزش‌های دینی را از بین برده بود، به گونه‌ای که حتی در صدد حذف تاریخ اسلامی و هجری و بسیاری از آرمان‌ها و ایمان‌های اسلامی بود. بنابراین انقلاب اسلامی، انقلابی با نگاه به مهدویت یعنی یک آینده‌ی مطلوب، آینده‌ای مبتنی بر ارزش‌های دینی و اسلامی و زمینه‌سازی برای تحقق آن، شکل گرفت.

لذا در فضایی که بی‌دینی و گریز از دین و امانیسم و سکولاریسم، تئوریزه و نظریه‌پردازی شده بود و بر طبل بی‌دینی کوبیده می‌شد، یک مرتبه انقلاب اسلامی پرچم دین و دین‌مداری را برافراشت و مدعی شد که دین از جامعه‌ی بشری زدودنی نیست و ما طرفدار دین هستیم و به ارزش‌های دین، وفاداریم و وقتی می‌گوییم دین، نه آنچه که در گذشته بود، دینی که به مهدویت قائل است یعنی آنچه در آینده باید باشد، بنابراین انقلاب از این جهت، بسیار موفق عمل کرد و دیگران را به این تفکر واداشت که اولاً دین و دین‌مداری، با سرشت بشر عجین شده است و ثانیاً این دین، به دنبال یک آینده‌ی مطلوبی می‌گردد که در آن جا ظلم نباشد، عدالت باشد، آن جا علم، محبت، صمیمیت، انسانیت، اخلاق و معنویت و... باشد.

پس موفقیت بزرگ انقلاب اسلامی این بود که توجهات جهانی را، نه در سطح ملی، بلکه در سطح جهانی به دین، کارایی دین، در عصر حاضر

وقتی شما به آیات و روایات مربوط به آینده و راجع به امام زمان عج مراجعه می‌کنید به خوبی در می‌یابید که آینده در اندیشه‌ی اسلامی ما آینده‌ی دین‌مدارانه است، آینده‌ی حاکمیت اسلام است، آینده‌ی تحقق وعده‌ی الهی برای حاکمیت متقیان و صالحان است، در طول تاریخ تشیع، دو موتور حرکت برای شیعیان وجود داشت که باعث شد وضع موجود را برنتابیده و به دنبال وضع مطلوب بگردند: اول: عنصر عاشورا که به آنها شهامت، برای درگیر شدن با کژی‌ها و پستی‌ها می‌داد و نهراسیدن و مقاوم و شجاع بودن، سختی‌ها را تحمل کردن و با طاغوت و طاغوتیان درافتادن... دوم: عنصر مهدویت برای رسیدن به یک وضع مطلوب، وضع موجود را قبول نکردن، برنتابیدن و همواره به دنبال یک وضع مطلوب و مبتنی بر ارزش‌های الهی گشتن. این رمز پویایی شیعه در طول تاریخ بوده است. امام عج با روشن بینی خود، عاشورا و باور به کربلا را در جامعه نهادینه کرده و باور به یک آینده‌ی مطلوب را

موفقیت بزرگ انقلاب اسلامی این بود که توجهات جهانی را، نه در سطح ملی، بلکه در سطح جهانی به دین، کارایی دین، در عصر حاضر توانست جلب کند و این موفقیت بسیار بزرگی بود، یعنی فرهنگ جدیدی را مطرح کرد که عده‌ای فکر می‌کردند آن فرهنگ، عمرش به پایان رسیده و دیگر نباید از آن سخن گفت

سپری می‌کنند. این فضا نه تنها همراه اندیشه‌ها و آرمان‌های انقلاب ما نیست بلکه بسیاری از موارد بر ضد آن حرکت می‌کند، چگونه ما می‌توانیم پادزهر این را ایجاد کنیم؟! اینکه هم در خانواده و هم در نظام آموزشی، چه در آموزش و پرورش و چه در آموزش عالی بتوانیم یک نظام آموزشی مبتنی بر ارزش‌ها و معارف و اهداف دینی، طراحی و عملیاتی و اجرایی کنیم و سرمایه‌گذاری اصلی را در نظام آموزشی روی خانواده جهت ارتقای دانش و مهارت آن، جهت تربیت انسان‌های باورمند و وفادار به این ارزش‌ها، بگذاریم.

۳- مقام معظم می‌فرمایند، اگر باور کنیم که «أَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ»^۲، کشور را باید علمی اداره نمائیم، علم به معنای دقیق کلمه، علم نافع به تعبیر روایات، پس باید از عالمان حمایت کرد، به آن‌ها در صحنه‌های مختلف میدان داد، و باید حضور آن‌ها در عرصه‌های مختلف را پاس داشت و نقش‌های کلیدی را به آن‌ها سپرد.

۱- مصباح الشریعه ص ۱۳

۲- نهج البلاغه حکمت ۶۰

توانست جلب کند و این موفقیت بسیار بزرگی بود، یعنی فرهنگ جدیدی را مطرح کرد که عده‌ای فکر می‌کردند آن فرهنگ، عمرش به پایان رسیده و دیگر نباید از آن سخن گفت.

حال برای تسریع در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی باید کارهایی انجام شود که به اختصار بیان می‌گردد:

۱- به نظر من اولین کار، تدوین تئوریک حکمرانی اسلامی مبتنی بر آموزه‌های دینی و با توجه به آخرین تجربیات بشری است، تجربیات بشری را باید شناخت و از فرصت‌های مفید بشری استفاده کرد. همان تعبیر بلند و زیبا و تمدن‌آفرینی که پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ»^۱ این سبب شد که ما در تمدن اسلامی، دو قرن دوره‌ی طلایی را به تعبیر نویسندگان داشته باشیم و آخرین دانش بشری را گرفته و مبتنی بر آموزه‌های دینی خودمان آن را بازخوانی و بازتولید کنیم. حال باید در بخش‌های مختلف حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، این کار را مبتنی بر آموزش ارزش‌ها و معارف اصیل مکتب تشیع و هم آخرین تئوری‌ها و تجربیات بشری و آن جاهایی که انطباق و همسویی و هم‌افزایی دارد، مورد توجه قرار گیرد.

۲- ما در شرایطی به سر می‌بریم که این فناوری‌های جدید به شدت جامعه و افراد و شهروندان و به خصوص نسل جوان را تحت تاثیر خود قرار داده و فرزندان ما وقت قابل توجهی را در فضای مجازی



تا اول کیمیا

وقتی نفس می کشیدی بوی دود، تا عمق جانت، نفوذ می کرد، بال های استبداد با تمام سیاهی زجرآورش، روی شهرها را پوشانده بود. چنگال های غم، هر روز تنگ تر می شد و دیگر آمان مردم این دیار را بریده بود.

تمام هویت، ثروت و تمام سرمایه میهن به تاراج برده می شد و به نفع بیگانگان و علیه ما، قانون وضع می گردید. بهترین روزهای عمر جوانان ما، در زندان هایی نمود، پشت میله هایی سرد و دیوارهایی سرشار از فریاد، سپری می شد.

بغض ها آماده انفجار بود... سرما بیداد می کرد. روزها در سیاهی، تباهی و ستم زیر چکمه های خیانت، به شب می رسید دیگر نمی شد حتی نفس کشید. نگاهی پلید، بر این خاک پاک، سایه انداخته بود.

ناگهان در عصر یک روز دلگیر، در میان سنج و زنجیر و نوحه، در یک فضای ساده اما نورانی، به هنگامه شورانگیزترین ناله ها، یک مرد که ابهت هاشمی او، غیرت و مردانگی خاندانش و ظلم ستیزی مولایش را به خاطر می آورد، از مشرقی ترین جغرافیای زمین، طلوع کرد. مردی از تبار نور، مردی از قبیله استقامت، از دیار خروش، از نیستان ناله های پر خون، مردی که درد را می فهمید، رنج کشیده بود و روح خدا، در کالبد خاکی اش جریان داشت. دلش سنگین از

نگاه‌های پلید و چنگال‌های ستم بر این سرزمین، مرد ایستاد در ندای حسین حسین خویش، ناله برآورد: کسی هست یاریم کند؟

زمزمه‌ها بلند شد، مردانی برخاستند از دیار حماسه، زنانی زینبی، مردانی حسینی. گوش‌ها تیز شد، مرد گفت: «آی مردم! کشور عشقتان، دل امام زمانی تان، ذره ذره، دارد خاموش و سیاه می‌شود. آی مردم! غیرت و مردانگی تان کجاست؟ بپا خیزید؟ مگر نه این که عزادار مردی هستید که با هفتاد و دو یارِ مظلوم، با ظلم و ستم و خیانت مبارزه کرد؟ مگر نه این که در عزای حسینی، به سر و سینه می‌زنید که با کودک مظلومش کربلایی ساخت به روشنای تمام تاریخ..» مرد می‌گفت و مردم این خاکِ پاک، همنوای مرد، مردانه، یا حسین می‌گفتند و این آغاز حرکت بود. حرکتی که جرعه‌های کوچکش، در محرم و صفر متولد شد. جرعه‌هایی که هر کدام رفته رفته آتش، به خرمن ظلم و تباهی زد.

عطر امید و انتظار، در جان‌ها دوباره سبز شد. حالا همه مردم فارغ از نژاد و زبان و ثروت و فقر، یک صدا ندای انقلاب، سر دادند، مردم برخاستند. بر بام‌ها طنین خوشِ الله اکبر شنیده شد. اعلامیه‌ها، شعارها و حرکت‌های مردمی، یکی پس از دیگری به نتیجه رسید. دانشگاه‌ها تعطیل شد. اعتراض‌ها بالا گرفت، هر دفعه اتفاقی تازه، روحی دوباره در جان‌ها می‌دمید. شیطان و هم‌دستانش گمان کردند اگر خورشید را بردارند، مردم سرد خواهند شد. خورشید پانزده سال از مردمش دور شد؛ اما خورشید، خورشید است، هر کجا می‌خواهد باشد، آسمان مال اوست. او می‌تابید و تابش خیره‌کننده اش تمام شیاطین را مانند خفاش، فراری می‌داد. انقلاب ما در پس فریادهای مردمی غیرتمند، در مُشت‌های گره خورده جوانان، در تدبیر پیران و در امید زنان این سرزمین در میان لالایی کودکان این دیارِ پاک که همه، عشق را زمزمه می‌کردند، متولد شد. انقلابی که حالا ۴۵ ساله است. انقلاب ما در پای مجالس روضه جان گرفت. در میان اشک عزاداران حسینی در روز عاشورا، در میان دسته‌های هیئت، در میان مجالس سخنرانی، انقلاب ما، جرعه‌ی رهایی ما، همه و همه از مُحرم، زاده شد.

انقلاب با تمام سختی‌ها، با تمام جان‌فشانی‌ها، با خون هزاران لاله سرخ، سبز شد، جوانه زد و به بار نشست اما ادامه این انقلاب باید به منبعی وصل می‌شد برای جاودانه شدن، برای ماندن، برای هدفدار شدن، برای الگو بودن و برای به قله رسیدن. انقلاب باید به سرچشمه‌ای متصل می‌شد برای نورگرفتن، برای پیوستن به دریا، راکد نبودن، جاری بودن و جریان داشتن. اصلاً انقلاب ما برای رسیدن به همین نور، پرواز آغاز کرد. ما هشت سال جنگیدیم تا به این سرچشمه وصل شویم، در برابر ابر قدرت‌ها ایستادیم تا به این دریا بپیوندیم و زیباترین نور هستی، در وجود انقلابمان، دمیده شد و آغاز انقلاب دیگری شد به نام انقلاب انتظار. ما با عاشورا آغاز شدیم، متولد شدیم؛ اما با عطر انتظار، نفس می‌کشیم.

عاشورا سیرابمان کرد اما انتظار موعود، مانند هوا در تمام شریان‌های ما ریشه دواند. جوان‌های دیروز، وظیفه‌شان را خوب فهمیدند، خوب عمل کردند و حالا میدان را خالی کرده‌اند برای ما که شاید هنوز وظیفه‌مان را خوب نشناخته ایم. تا دولت کریمه راهی نمانده، شاید به اندازه یک یا علی!^۱

۱- برداشتی از دلنوشته همه جا سیاه بود، فاطمه حیدری



کلید واژه‌های بیانیه‌ی گام دوم حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا نصوری

معاون فرهنگ، آموزش و پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج کشور

مبارزه‌ی با ظلم و دستگیری از مظلوم، پیش گام شد. یعنی با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، واژه‌ی انتظار، معنای حقیقی خود را یافت و تبدیل به همان انتظار راستینی شد که در روایات از آن، به عنوان برترین جهاد امت پیامبر ص نام برده شده است. به نوعی می‌توان گفت انقلاب اسلامی، یک حرکت برای بسترسازی و زمینه‌سازی ظهور حضرت و ساخت یک مکتب کوچک از جامعه‌ی منتظر و ایجاد آمادگی در افراد را ترسیم کرد. آمادگی که امام کاظم ع می‌فرمایند: «یغیظ به عدونا»^۲ طوری که دشمن امام زمان ع به غیظ دربیاید. این طرح انقلاب اسلامی به نوعی حمایت از تمامی مستضعفان جهان، در راستای نگاه جهانی سازی مکتب انتظار بود.

نکته دوم بحث تمدن‌سازی است، تمدن‌سازی که آقا اشاره می‌فرمایند یعنی تبدیل فرهنگ ابتدال امروزی به فرهنگ انتظار، لذا در ابتدا باید مؤلفه‌های فرهنگ انتظار یعنی توحیدمحوری، عالم محوری، عقل محوری، شریعت محوری، استدلال و منطق را پررنگ کنیم، اما چگونه؟ با تربیت نیرو، همان گونه که در دعا می‌خوانیم «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ» باید نیرو تربیت کنیم، سربازپروری کنیم، خانواده‌ها باید دغدغه‌مند شوند، خانواده‌ها را باید مهدوی کرد، سبک زندگی‌ها را باید منتظرانه کرد. باید در مدارس،

مقام معظم رهبری در بیانیه‌ی گام دوم که قله‌ی بیانیه‌ی گام دوم است به دو کلید واژه اشاره می‌فرمایند: یکی آمادگی برای ظهور و دوم تمدن‌سازی. آمادگی برای ظهور باید باشد تا آمادگی برای پذیرش اتفاق بیفتد. در زمینه‌سازی برای ظهور، باید بتوانیم اتحاد و همدلی و آمادگی عمومی برای پذیرش امام و تربیت یار و نیرو را انجام دهیم یعنی به نوعی ارتقای معرفتی مردم به حجت خدا که این، برای ما یک امر واجبی است چرا که پیامبرگرمای اسلام ص می‌فرمایند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱ این را باید جدی بگیریم تا مردم بتوانند قدرت تشخیص حق از باطل را داشته باشند.

انقلاب اسلامی ایران، مهدویتی را که سرتاسر، گوشه‌نشینی بود و بیشتر در فضای دعا و ذکر و مناجات محدود شده بود را به مهدویتی تبدیل کرد که در بستری اجتماعی، برای اجرای عدالت و برای

انقلاب اسلامی، یک حرکت برای بسترسازی و زمینه‌سازی ظهور حضرت و ساخت یک مکتب کوچک از جامعه‌ی منتظر و ایجاد آمادگی در افراد را ترسیم کرد.

نگاه جهانی‌سازی دنبال کنیم. که این‌ها کم و بیش شکل گرفته و شاهد آن هستیم، جریان مقاومت در منطقه، جریان شیخ زکزاکی در آفریقا و خیلی از فعالیت‌های بیداری که امروز اتفاق می‌افتد را می‌بینید که در دنیا حرکت تحسین برانگیزی تلقی می‌شود. این‌ها همگی متأثر از انقلاب اسلامی است و یک غافلگیری برای غرب می‌باشد چرا که غرب، خودش را به عنوان یک قدرت برتر در بحث آینده‌سازی و تفکرات جهانی می‌دید اما امروز نقش خود را در این موضوع بسیار کم‌رنگ می‌بیند. این نشان می‌دهد برای حرکت جهانی، باید استعدادها و ظرفیت‌ها را کنار هم گذاشت و مکمل هم شد و این ظرفیت را جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. ان شاء الله که بتوانیم یک جامعه‌ی زمینه‌ساز و بسترساز خوبی برای فرج امام زمان ع باشیم.

دانشگاه و حوزه، خیلی پررنگ وارد شد. الان ما می‌بینیم نسبت به بحث امام زمان ع یک دغدغه‌ی خوبی ایجاد شده اما فراگیر نیست و نقص‌هایی دارد. رسانه کارهای خوبی انجام داده، اما کافی نیست. مهدیه‌های قبل از انقلاب با مهدیه‌هایی که بعد از انقلاب داریم اصلاً قابل مقایسه نیستند. تربیت نیرو، کادرسازی و شبکه‌سازی که ما قبل از انقلاب داشتیم با الان اصلاً قابل مقایسه نیست. کتاب‌هایی که وجود دارد و از آن طرف شبهاتی که وجود دارد نشان‌دهنده‌ی حرکت‌های درستی بود که می‌توان گفت یک میزان قابل قبولی این حرکت‌ها، حرکت‌های موفق‌تری بوده اما کاستی‌هایی دارد و نیاز به تلاش بیشتری می‌باشد، لذا باید این‌ها آسیب‌شناسی شود و بتوانیم برنامه‌ها را به بهترین نحو جلو ببریم.

در گام بعد باید نگاه‌هایمان را در حد جهانی ارتقا دهیم. تفکرات ما تفکرات جهانی باشد، امام زمان ع که می‌آیند «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۳ بر همه‌ی ادیان غلبه می‌کنند، باید نگرش‌ها را تغییر دهیم و تفکرات را از حالت منطقه‌ای خارج و به تفکرات جهانی سوق دهیم. لذا در گام اول باید ایران را در یک مسیر بسترسازی برای فرج قرار دهیم و درگام دوم کشورهای اسلامی که دغدغه‌مند هستند، در بحث اتحاد و همدلی که روح وحدت بخش جهان اسلام است، را با یک

۱- الثاقب فی المناقب ص ۴۹۵

۲- الکافی ج ۶ ص ۵۳۵

۳- توبه آیه ۳۳

عنوان دفاع از دین، حاکمیت احکام و قوانین قرآن شکل گیرد، مردود نخواهد بود؛ زیرا در این صورت پرچمی در برابر پرچم دین، برافراشته نشده و رهبر چنین نهضتی طاغوت نیست، ضد طاغوت است. چنین رهبری، مردم را به پرستش خویش دعوت نمی‌کند، بلکه به اطاعت از پروردگار جهان، فرامی‌خواند و چنین پرچمی، نه تنها در برابر پرچم قائم آل محمد قرار نگرفته، بلکه در مسیر حکومت جهانی آن حضرت و زمینه ساز آن خواهد بود.

پس تنها قیام‌هایی مردود است که رهبر آن، مدعی مهدویت باشد و به عنوان قائم آل محمد قیام کند، یا هدف غیرالهی داشته باشد؛ اما اگر رهبر قیام، نه به عنوان مهدویت و نه به منظور تأسیس حکومتی در برابر حاکمیت خداوند، بلکه به منظور دفاع از اسلام و قرآن و مبارزه با ظلم و استکبار، مردم را به یاری طلبید، پرچم چنین نهضتی، پرچم طاغوت نیست، بلکه ضد طاغوت است. تأسیس چنین حکومتی در برابر حاکمیت الهی نیست، بلکه به منظور حاکمیت خدا و در مسیر حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و زمینه ساز آن است. بنابراین روایات مذکور چنین نهضت و انقلابی را مردود نمی‌شمارند. پس می‌توان گفت: پیش از قیام حضرت، عده‌ای با شعار نجات انسان و با ادعای مهدویت، مردم را به سوی خود می‌خوانند. ایشان بدون آن‌که اعتقاد صحیحی نسبت به دین داشته باشند و حاکمیت

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «كُلُّ رَايَةٍ تَرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛ هر پرچمی که قبل از قیام قائم علیه السلام برافراشته شود، صاحبش طاغوتی است که در برابر خدا پرستش می‌شود. هم چنین امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «كُلُّ رَايَةٍ تَرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ»؛ هر پرچمی که قبل از قیام قائم علیه السلام برافراشته شود، صاحب آن طاغوت است.

در بررسی معنا و مفاد این

احادیث، باید گفت: «رَايَةٍ»

به معنای پرچم

است. «رَفَعَ رَايَةً»

کنایه از اعلان

جنگ در برابر

نظام حاکم و

تأسیس حکومت

جدید می‌باشد. صاحب

پرچم، رهبر نهضتی است که

برای سرنگون ساختن حکومت

موجود، مردم را به یاری می‌طلبد.

طاغوت، یعنی شخص جبار و

ستمگری که به حریم مقدس

الهی تجاوز کرده و بندگان

خدا را وادار می‌سازد حاکمیت

او را در برابر حاکمیت خداوند

بپذیرند و بدون چون و چرا، تسلیم فرمان

هایش باشند. جمله «يَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ» در

حدیث امام صادق علیه السلام بهترین شاهد است که

صاحب پرچم، می‌خواهد در برابر حکومت

خدا، حکومتی را تأسیس کند و خواسته‌های

خودش را به اجرا درآورد. صاحب چنین

پرچمی، به عنوان طاغوت معرفی شده است.

پس صاحب هر پرچمی که قبل از قیام قائم علیه السلام

برافراشته شود و مردم را به اطاعت خویش

فراخواند، طاغوت است اما اگر نهضتی به



پس قیام برای حق، طاغوت نیست بلکه اجرای کامل قوانین و برنامه‌های اسلام است و این همان معنای حکومت اسلامی می‌باشد. روایات نیز با تشکیل حکومت اسلامی مخالفت ندارد بلکه مخالف قیام و تشکیل حکومت، به نام حضرت مهدی عج است که انقلاب اسلامی، چنین ادعایی نداشته و ندارد، چنان که امام راحل ره فرمودند: انقلاب مردم ایران، نقطه‌ی شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچمداری حضرت حجت عج است که خداوند بر همه‌ی مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد...^۴



حال با خود فکر کنیم اگر قرار بود ظهور بدون مقدمه و زمینه‌سازی، فقط با قدرت خداوند انجام شود چرا تا به حال انجام نشده است؟ آیا خداوند به ظلمی که ابرقدرت‌های جهان، علی‌الخصوص ظلمی که به مردم فلسطین می‌کنند راضی است!!؟

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۲، ب حکم الخروج بالسیف...
ح ۱۹۹۹۶۹
۲- غیبت نعمانی، ب، ۵، ح ۱۱، ص ۱۶۱
۳- الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۴۸
۴- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷ - قسمتی از پیام امام در دوم فروردین ۶۸ به مهاجرین جنگ تحمیلی

خداوند و خلیفه‌ی او را بپذیرند، مکتب واندیشه‌های خود را، راه نجات بشر می‌دانند. اینان طاغوت هستند که مردم را از راه دین الهی، به سوی خود منحرف می‌کنند. هر کس که قیام کرد و شما را به یاری طلبید، بدون تأمل دعوتش را اجابت نکنید؛ بلکه شخص دعوت‌کننده و هدفش را خوب بررسی کنید. اگر به عنوان مهدی موعود، قیام کرد یا هدفی غیر الهی داشت، دعوتش را نپذیرید. اما اگر ادعای مهدویت نداشت، بلکه خود را زمینه‌ساز ظهور و در خدمت امام

مهدی عج دانست و به منظور دفاع از اسلام و قرآن و مبارزه با ظلم و ستم و یاری مردم گام برداشت، پرچم او نه تنها طاغوت نیست بلکه ضد طاغوت است؛ چرا که در مسیر حکومت جهانی حضرت بوده و زمینه‌ساز آن است. معصومان علیهم‌السلام در روایاتی فرموده‌اند؛ هر حدیثی از

طرف ما به شما رسید، آن را به قرآن عرضه کنید و در صورت مخالفت با قرآن، آن را کنار بگذارید. قرآن تأکید می‌کند؛ با ظالم بجنگ و از مظلوم حمایت کن. امام حسین علیه‌السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «هر کس حاکم ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده و عهد خود را شکسته و میان بندگان خدا به ظلم رفتار کرده است و او در برابر چنین حاکمی، با عمل و گفتار مخالفت نکند، بر خداست که او را در جایگاه، همان ستمگر (به جهنم) وارد کند»^۳.

دعا

عبدالله بن ابان رو به امام رضا علیه السلام کرد و گفت: برای من و خانواده ام دعا کنید. امام علیه السلام فرمود: فکر کرده ای که برایتان دعا نمی کنم؟ آن هم وقتی که اعمالتان هر روز و شب بر من عرضه می شود. درک مطلب برایش سخت بود. امام رؤف رو به او کرد و فرمود: قرآن را نخوانده ای؟! آن جا که فرموده: عمل کنید که خدا و پیامبر و مومنان، کارهای شما را می بینند...^۱ به خدا قسم، مراد از مؤمنان در این آیه، علی بن ابی طالب علیه السلام و امامان علیهم السلام بعد از ایشان هستند. قلب عبدالله بن ابان روغن فروش، آرام شد. حالا مطمئن بود که امام زمان او هر روز و شب، هم برای او، هم برای خانواده اش و هم برای تک تک شیعیان دعا می کنند.^۲

۱- ۱۰۵/توبه

۲- کافی، ج ۱، ص ۲۱۹

درخواست عجیب

استاد بعد از ورود به کلاس، به همه بچه ها یک برگه کاغذ داد؛ بعد پشت میزش نشست و گفت: می دانید که امشب شب آرزوهاست؛ بیاید تصور کنیم که امسال، خدا فقط یک آرزوی ما را برآورده می کند، آن هم فقط آرزویی که هم دنیا و هم آخرت شما را سر و سامان بدهد و اجابتش به معنی اجابت همه دعاها باشد؛ حالا با این توضیحات، آن آرزو را روی برگه ای که به شما دادم، بنویسید. به نظر، درخواست عجیبی بود. نوشتن آرزویی به گستردگی و مقیاس دنیا و آخرت و در برگیرندهی همه دعاها؟! تقریباً همه ی برگه ها خالی به دست استاد رسید، جز چند برگه که روی آن ها نوشته شده بود: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ»

گلایه

عارفی مغازه عطاری داشت. خدمت شیخ رجبعلی خیاط رفت و گفت: خسته شدم می خواهم آقا رو ببینم. شیخ، نگاهی به او کرد، دید اهل دل است. گفت: ۴۰ شب شبی صدبار این آیه را بخوان «رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّ...» عارف این کار را کرد، ۴۰ شب گذشت و خبری نشد. تا این که دید نیمه های شب صدایش می کنند، از خواب بیدار شد توی کوچه آمد، دید آقای هستند. رو به او فرمودند: فلانی تو فکر می کنی ما بچه های مادرمان زهرا علیها السلام را نمی توانیم غذا بدهیم؟ این را فرمود و رفت. با خود گفت: عجب! این کی بود؟

صبح، محضر جناب شیخ رجبعلی خیاط آمد و ماجرا را تعریف کرد. شیخ گفت: ایشان امام زمان علیه السلام بودند. می دانی دلیل رفتارشان چه بود؟ گفت: نه!! شیخ گفت: یادت هست دیروز صبح، یک بچه یتیم سیّد، در مغازه ات آمد، گفت مادرم فلان چیز را خواسته و گفته بعداً پولش را می آورم و تو از جای دیگری ناراحت بودی یک داد، سر این بچه زدی و گفتی: برو ببینم بابا... مادر تو هم فقط مغازه ما رو بلده.... دل آن بچه سیّد را شکستی. این بود که آقا شب به شما فرمودند: فلانی تو فکر می کنی ما بچه های مادرمان زهرا علیها السلام را نمی توانیم غذا بدهیم.

عرق شرم

عرق دیدن تصاویری در اینستاگرام بود که به شدت، نظرش را به خود جلب کرده بودند. ناگهان متوجه حالش شد؛ نگاهش را دزدید و با شرمساری گوش‌اش را کنار گذاشت. عرق شرم، بر پیشانی‌اش نشست. داشت به آخر شب فکر می‌کرد که چگونه از غفلت امروز خودش با امام زمان ع حرف بزند، باز هم عذرخواهی و باز هم...

عاشق

فرزندش تومور مغزی داشت، توی آی‌سی‌یو، بستری بود. مادر پشت شیشه، بست نشسته بود. از آب و غذا افتاده بود و با تمام وجودش، دعا می‌کرد، سوز دعایش، جور دیگری بود. هیچ چیز نمی‌توانست او را آرام کند جز خبر سلامتی فرزندش... با دیدن این صحنه، متأثر شدم. با خود گفتم: تا حالا این جوری عاشق امام زمانت شده ای؟ تا حالا این گونه برای آمدنش دعا کرده ای؟ تا حالا به این صورت مضطر شده ای تا خبری از امام غریبت بیاید؟ کاش ما هم مثل آن مادر، معنی انتظار را می‌فهمیدیم.

نسیه

روزی مرحوم میرزا احمد نهاوندی معروف به مُرشد چلوبی، خدمت جناب شیخ رجبعلی خیاط رسید و از کسادی کارش گله کرد و گفت: این چه وضعی است که ما گرفتار آن شدیم؟ زمانی وضع ما خوب بود روزی سه، چهار دیگ چلو می‌فروختیم و مشتری‌ها فراوان بودند، اما یک‌باره اوضاع زیر و رو شد، مشتری‌ها یکی یکی آب رفتند، کار ما از سکه افتاد و اکنون روزی یک دیگ هم فروش نداریم...؟ شیخ تأملی کرد و فرمود: تقصیر خودت است که مشتری‌ها را رد می‌کنی! مُرشد گفت: من کسی را رد نکردم، حتی از بچه‌ها هم پذیرایی می‌کنم و نصف کباب به آنها می‌دهم. شیخ فرمود: آن سید چه کسی بود که سه روز غذای نسیه خورده بود؛ بار آخر او را هُل دادی و از در مغازه بیرون کردی؟! مُرشد سراسیمه از نزد شیخ بیرون آمد و شتابان در پی آن سید راه افتاد، او را یافت و از او پوزش خواست و دلجویی کرد. پس از آن تابلویی در مغازه‌اش نصب کرد و روی آن نوشت: نسیه داده می‌شود، حتی به شما، وجه دستی به اندازه وسعمان پرداخت می‌شود!!^۳

۳- سرنوشت انسان، قیامت و حشر، مسعود عالی، صص ۱۲۸-۱۲۷



منصرف کردن پدرم از قبول معالجه بود. چون نه تنها برای پدرم، بلکه برای خیلی‌ها در آن زمان و با آن شرایط، تهیه چنان پولی غیر ممکن بود. پدرم گفت: برای من تهیه این پول مقدور نیست. در نتیجه طبیب هم از این فرصت استفاده کرد و فوراً منزل ما را ترک نمود. بعداً معلوم شد که والدینم همان موقع متوجه شده بودند که طبیب از درمان برادرم مأیوس شده و درخواست آن پول، بهانه‌ای بیش نبوده است.

من یک دایی دیگر به نام میرزا ابوطالب داشتم که زهد و تقوای او، زبانزد مردم بود، همه مردم محل، به دعا‌های او اعتقاد داشتند و در گرفتاری‌ها و مشکلات به او مراجعه می‌کردند، او هرگاه عریضه به حضرت مهدی علیه السلام می‌نوشت نتایجی به دست می‌آمد. وقتی مادرم متوجه بسته بودن همه راه‌های عادی و معمولی درمان برادرم شد، به نزد دایی ابوطالب رفت و از او خواهش کرد تا برای شفای محمد سعید، عریضه‌ای بنویسد.

عصر روز جمعه‌ای بود که دایی، عریضه را نوشت. مادرم آن را از او تحویل گرفت و همان موقع به همراه برادرم، کنار چاهی که در بیرون روستا بود، رفتند و در حالی که به شدت گریه می‌کردند، عریضه را در چاه انداختند و به خانه برگشتند. چند روزی از این ماجرا نگذشته بود که من در خواب دیدم سه نفر سواره با همان اوصافی که در حکایت تشرّف اسماعیل هرقلی نقل شده، از صحرا به طرف خانه‌ی ما می‌آیند. وقتی آنها را دیدم یک مرتبه به یاد جریان اسماعیل هرقلی افتادم و با خودم گفتم: آن سوار اولی حتماً خود

میرزا محمد حسین نائینی اصفهانی نقل می‌کند: برادرم میرزا محمد سعید در سال (۱۲۸۵ ق) از ناحیه پا، احساس درد شدیدی کرد و به دنبال آن، حتی از راه رفتن عاجز شد. طبیبی به نام میرزا احمد نائینی را برای درمان پای برادرم آوردند. ابتدا معالجات او، به ظاهر مؤثر واقع شد و ورم و چرک پا، برطرف گشت، ولی چند روزی طول نکشید که زخم‌های زیادی علاوه بر پاهای، در میان دو کتف او پیدا شد. درد

و خونریزی آن زخم‌ها، محمد سعید را هر روز بیش از پیش ناتوان و ضعیف و لاغرتر می‌کرد و معالجات طبیب جز افزایش درد و خونریزی و سرایت زخم‌ها به قسمت‌های دیگر بدن، نتیجه دیگری در پی نداشت.

روزی خبر آوردند یک طبیب بسیار ماهر به نام میرزا یوسف، در یکی از روستاهای اطراف ساکن است که در درمان بسیاری از بیماری‌های صعب‌العلاج، مهارت زیادی از خود نشان داده است. پدرم کسانی را فرستاد تا او را برای درمان برادرم بیاورند. وقتی او به طور کامل برادرم را معاینه کرد، مدتی ساکت شد و به فکر فرو رفت، یادم هست در یک فرصتی که پدرم از اتاق بیرون رفته بود، به گونه‌ای که من متوجه حرف‌های آنها نشوم، مطالبی را به یکی از دایی‌هایم که با ما زندگی می‌کرد، گفت. فهمیدم که طبیب از درمان برادرم مأیوس شده و به دایی‌ام می‌گوید: هر چه زحمت کشیده شود، بی‌فایده است. دایی‌ام به طبیب گفت با پدرم به گونه‌ای موضوع را مطرح کند که باعث ناراحتی او نشود.

وقتی پدرم به اتاق برگشت، میرزا یوسف به پدرم گفت: من اول فلان مبلغ (که مبلغ بسیار زیادی بود) می‌گیرم، آن وقت معالجه را شروع می‌کنم. کاملاً معلوم بود که هدف او از چنین پیشنهادی

و صدای من، مادرم از خواب بیدار شد، وقتی دید که محمد سعید را بیدار کرده ام، با ناراحتی گفت: او به خاطر دردی که داشت از سر شب نتوانسته بود بخوابد، تازه از شدت دردش کم شده بود، چرا بیدارش کردی؟! گفتم: مادر! آقا امام زمان ع محمد سعید را شفا دادند. مادرم از جای خود برخاست و با عجله خود را به ما رساند و گفت: تو چی گفتی؟

خواستم حرفم را تکرار کنم، که دیدم محمد سعید شروع به راه رفتن کرد، مثل اینکه اصلاً هیچ گونه ناراحتی نداشته است. مادرم از خوشحالی با صدای بلند، شروع به گریه کرد و همه‌ی اهل خانه با صدای او، از خواب بیدار شدند و به دنبال آن طولی نکشید همه‌ی اهالی روستا از اتفاقی که افتاده بود، باخبر شده و با عجله خودشان را برای دیدن محمد سعید به خانه ما رساندند.

بحمدالله امام زمان ع به عریضه وتوسل مادرم عنایت کردند و از آن به بعد در بدن برادرم، اثری از آن بیماری دیده نشد. چند روز بعد هم دایی علی اکبر، با سلامتی از سفر برگشت و خوشحالی خانواده ما، به لطف امام عصر ع کامل تر شد.^۱

۱- تشریف یافتگان به محضر صاحب الزمان ع (برگرفته از نجم الثاقب)، میرزا حسین محدث نوری، ص ۸۲

حضرت حجّت ع هستند که آمده اند برادرم محمد سعید را شفا دهند.

وقتی آن سه نفر به نزدیکی خانه‌ی ما رسیدند، همگی از اسب پیاده شدند و درست به همان اتاقی که برادرم در آن خوابیده بود، وارد شدند. همان کسی را که من فکر می‌کردم خود حضرت ع هستند، نزدیک برادرم رفتند و نیزه‌ای را که در دست داشتند روی کتف، محمد سعید گذاشته و فرمودند: بلند شو، دایی ات از سفر آمده و پشت در منتظر است.

من در آن حال متوجه شدم که منظور آن حضرت، دایی علی اکبرم است که خیلی وقت پیش، به سفر تجارت رفته و اتفاقاً به خاطر تأخیر او، همه خانواده نگرانیش بودند. محمد سعید اطاعت امر کرد و در نهایت سلامتی، از جای خود برخاست و با عجله به سوی در رفت تا از دایی علی اکبر استقبال کند.

در این لحظه از خواب بیدار شده و به اطراف نگاهی کرده و متوجه شدم که صبح شده است ولی هیچ یک از اهل خانه بیدار نشده اند. بلافاصله یاد خوابی که دیده بودم افتادم و با خوشحالی خودم را به نزدیک برادرم رسانده و او را بیدار کردم و به او گفتم: محمد سعید! محمد سعید! بلند شو آقا امام زمان ع تو را شفا دادند.

سپس بدون معطلی او را گرفته و از زمین بلندش کردم. در اثر سر



یک سو اروپا را از جمعیت یهودی خالی کرد و از سوی دیگر، با ایجاد پایگاه نظامی در منطقه، راه نفوذ قدرت‌های غربی مانند انگلیس و آمریکا را در سرزمین‌های عربی فراهم نمود.^۳

چگونگی اشغال سرزمین فلسطین

تئودور هرتسل بنیانگذار صهیونیسم، چند بار با خلیفه وقت دولت عثمانی، برای گرفتن موافقت او برای اختصاص فلسطین به یهودیان دیدار کرد؛ اما دولت عثمانی موافقت نکرد.^۴ پس از سقوط دولت عثمانی، انگلیس، فلسطین را به اشغال خود درآورد^۵ و یهودیان صهیونیست را برای اداره فلسطین گماشت.^۶ به نظر طارق السویدان، فلسطین برای هرتسل بی‌دین، اهمیتی نداشت؛ اما هنگامی که دید یهودیان، تمایلی برای مهاجرت به مکانی غیر از سرزمین موعود ندارند، به ابزار دین، متوسل شد و از طریق افسانه‌ی بازگشت، آنان را برای مهاجرت به فلسطین تشویق کرد. براساس افسانه‌ی بازگشت یهودیان، فلسطین، سرزمین مقدسی است که خدا آن را برای همیشه به ملت برگزیده خود (یهودی‌ها) داده است. آن‌ها در دوران داوود و سلیمان تجربه حکمرانی را داشتند؛ اما بعداً، از آن سرزمین بیرون رانده

صهیونیست‌ها برگزیده بودن قوم خود را یک اصل اساسی و نظریه رسمی می‌دانند. روزه‌گازودی، نویسنده و سیاستمدار فرانسوی، به نقل از خاخام کوهین می‌گوید: که ساکنان جهان را باید به دو دسته تقسیم کرد؛ اسرائیل و ملت‌های دیگر. اسرائیل ملت برگزیده است. از این رو، غیریهودیان باید از سرزمین موعود قوم برگزیده اخراج شوند.^۱

شاهاک، رئیس جامعه حقوق بشر و شهروندان اسرائیل می‌نویسد: از نظر اسرائیلیان، همه چیز به یهودی و غیر یهودی طبقه‌بندی می‌شود و در کشور یهود فقط یهودیان، انسان محسوب می‌شوند و غیر یهودیان جزء حیوانات به شمار می‌روند. طبق این اصل، غیریهودیان، وسیله‌ای برای تولید منابع یهودیان می‌باشند.^۲ صهیونیست‌ها همین اعتقاد به برتری قومی خود و ادعای برگزیده بودن از سوی خدا و اختصاص سرزمین فلسطین به آنان (سرزمین موعود) را عامل اشغال غاصبانه‌ی سرزمین فلسطین و بیرون راندن مردم فلسطین عنوان می‌کنند. اما به عقیده طارق السویدان، مورخ و نویسنده کویتی، تشکیل دولت یهودی در فلسطین، از

قصه پرغصه فلسطین

جولان در سوریه به اشغال رژیم صهیونیستی درآمد.

براساس گزارش‌ها، تا سال ۲۰۲۳، کمتر از ۱۵ درصد از سرزمین فلسطین در اختیار فلسطینی‌ها باقی ماند و سایر مناطق به اشغال رژیم صهیونیستی درآمد. مناطق در اختیار فلسطینی‌ها شامل نوار غزه و بخش‌های پراکنده‌ای از منطقه کرانه باختری بود.^{۱۴}

شهرک‌سازی

شهرک‌سازی اسرائیلی‌ها در مناطق اشغالی فلسطین، یکی از پایه‌ها و سیاست‌های اصلی^{۱۵} این رژیم است. هدف از سیاست شهرک‌سازی، گسترش سرزمین‌های اشغالی، ممانعت از تشکیل کشور فلسطین در آینده، از هم گسستگی وحدت اراضی فلسطینیان، مصادره منابع آبی آنان و در یک کلمه یهودی کردن فلسطین شمرده شده است.^{۱۶} شهرک‌سازی پس از اعلام موجودیت اسرائیل با اشغال قدس شرقی در ژوئن ۱۹۶۷ آغاز شد. سیاست شهرک‌سازی اسرائیل در قدس باعث شد مالکیت ۱۰۰ درصدی فلسطینیان بر قدس در سال ۱۹۶۷، در ۱۹۹۵ به ۲۱ درصد کاهش یابد. تعداد شهرک‌نشین‌های کرانه باختری از ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ سه برابر شد. سازمان ملل متحد و دبیر کل آن، شهرک‌سازی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین را غیرقانونی و نقض آشکار قوانین بین‌المللی اعلام کرده و خواستار توقف آن شد.^{۱۷}

اسرائیل در سال ۲۰۰۲ برای جدا کردن مناطق فلسطین‌نشین از شهرک‌های یهودی، ساخت دیوار حائل را آغاز کرد و تا سال ۲۰۲۱ شش لایه دیوار به دور خود کشید که عبارتند از: دیوار مرزی با کرانه باختری، مصر، اردن، سوریه، لبنان و غزه. مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دادگاه بین‌المللی لاهه، دیوارکشی را غیرقانونی دانستند.^{۱۸}

قیام و مبارزه

از زمان اشغال فلسطین به ویژه اشغال قدس در

شدند. هر تسلسل اعلام کرد یهودی‌ها باید تلاش کنند به سرزمین مقدس برگردند تا مسیح بازگردد. از این رو، شعار صهیونیسم را، تلاش برای بازگشت به سرزمین مقدس قرار داد. به نظر طارق السویدان، انگلیس در زمان استعمار فلسطین، مهاجرت یهودیان به فلسطین را هموار کرد.^{۱۹}

پایان قیمومیت انگلیس بر فلسطین در ۱۴ می ۱۹۴۸ بود. اما حاکمان انگلیس، رژیم صهیونیستی را جایگزین خود کرده و یهودیان مهاجر در آن جا ساکن شدند.^{۲۰} دیوید بن گوریون در ۱۴ می ۱۹۴۸ در سالن اجتماعات شهر تل‌آویو، رسماً استقلال و تأسیس دولت یهودی اسرائیل را اعلام کرد.^{۲۱}

یک روز پس از اعلام رسمی اشغال، ارتش پنج کشور عربی (مصر، لبنان، سوریه، اردن و عراق) جهت حمایت از فلسطین، با اسرائیل وارد جنگ شدند که تا ژانویه ۱۹۴۹ ادامه یافت و به شکست اعراب منجر شد. در این جنگ، ۷۸٪ فلسطین به اشغال اسرائیل درآمد. پس از آن، تنها نوار غزه، کرانه باختری رود اردن و بیت‌المقدس شرقی در اختیار فلسطین باقی ماند. ارتش اسرائیل از ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۹، ۵۳۰ شهر و روستا را در فلسطین تخریب و تعداد زیادی از فلسطینی‌ها را قتل‌عام کرد و بسیاری نیز آواره شدند.^{۲۲} به گفته نوآم چامسکی، نظریه‌پرداز و منتقد اجتماعی آمریکایی، اسرائیل پس از آتش‌بس ۱۹۴۹ بارها به غیرنظامیان فلسطین حمله کرده و آن‌ها را از سرزمین‌شان بیرون راند.^{۲۳} اسرائیل به منظور بیرون راندن فلسطینی‌ها از روستاها و اشغال مناطق بیشتر، به کشتار و قتل‌عام‌های متعددی از جمله قتل‌عام اهالی روستای دیر یاسین، قبیله و ناصرالدین دست زد.^{۲۴}

در ۱۹۶۷ در پی جنگ شش روزه اسرائیل با چهار کشور عربی مصر، سوریه، اردن و عراق که منجر به شکست اعراب شد، مناطق مختلفی چون بخش شرقی بیت‌المقدس، نوار غزه، صحرای سینا، ساحل غربی رود اردن، شهر قنیطره و بلندی‌های

امروز دیگر بسیاری از مردم جهان، حقوق فلسطینی‌ها را به رسمیت شناخته و مطالبه می‌کنند و خود را جای فلسطینی‌ها گذاشته و تصور می‌کنند اگر آن‌ها جای ملتی بودند که در خانه و کاشانه و سرزمین خود، زندانی شده و به اشکال فجیع، قتل عام و سرکوب می‌شدند و حق خروج از آن زندان را نداشتند و فقط باید منتظر بودند تا کی اسرائیلی‌ها آن‌ها و خانواده‌هایشان را قتل عام کنند، چه می‌کردند.

آری! خون‌های پاک کودکان مظلوم غزه، باطن و حقیقت تمدن غرب را در برابر چشم جهانیان آشکار کرد و باعث شکستن پشتیبانی رسانه‌ای و فضا سازی جهانی در حمایت از اسرائیل شد. اسرائیلی‌ها که ده‌ها سال است تلاش دارد از طریق قدرت اقتصادی و رسانه‌ای، سازمان‌های صهیونیستی خود را موجه جلوه دهند و فلسطینی‌ها را غیر موجه. ان‌شالله به زودی زود شاهد نابودی رژیم جنایتکار صهیونیستی و حامیان غربی آن و فروپاشی نظام سلطه باشیم.

۱۹۶۷، مردم فلسطین بارها علیه اسرائیل، قیام و مبارزه کردند از جمله خیزش قدس در ۱۹۶۷، روز زمین در ۱۹۷۶ و خیزش تونل در ۱۹۹۶. در ادامه اعتراضات و مبارزات فلسطینی‌ها، سه انتفاضه در فلسطین به وجود آمد. انتفاضه نخست (انتفاضه سنگ) در ۱۹۸۷ شروع و با توافقنامه اسلو در ۱۹۹۳ پایان یافت. انتفاضه دوم (انتفاضه الاقصی) از سپتامبر ۲۰۰۰ آغاز و در ۲۰۰۵ با خروج اسرائیل از شهرک‌های نوار غزه به پایان رسید. انتفاضه سوم (انتفاضه قدس) از اول اکتبر ۲۰۱۵ آغاز و تا ۲۰۲۲ ادامه یافت.^{۱۹} تصویب مصوبات جدید کابینه امنیتی و سیاسی رژیم صهیونیستی از جمله دادن مجوز حمل سلاح به هزاران اسرائیلی، افزایش ساخت شهرک‌های صهیونیست نشین، استقرار نیروهای امنیتی اسرائیل در کرانه باختری و قدس و جمع‌آوری سلاح شهروندان عرب، افزایش جنایات اشغالگران صهیونیست علیه فلسطینیان و باعث شد تا جنبش اسلامی و گردان‌های عزالدین قسام (شاخه نظامی حماس)، گردان‌های الاقصی شاخه‌ی نظامی جنبش فتح و همچنین عرین الاسود که یک جریان نوپا و مبارز در بین جوانان فلسطینی بود، عملیات طوفان الاقصی را در ۲۰۲۳ آغاز کنند. عملیاتی که از یک طرف شکست هیمنه نظامی و امنیتی رژیم تا بن دندان مسلح، که مورد حمایت بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی غربی است را به دست گروهی کوچک با کم‌ترین امکانات رقم زد و سبب شکسته شدن اسطوره‌ی دروغین این رژیم شد و از طرف دیگر حملات متعدد و دائمی گروه‌های مقاومت در منطقه به آمریکا به عنوان پشتیبان این رژیم، به روشنی نشان داد که قدرت سخت غرب، ترک برداشته و دیگر آن هیمنه سابق را ندارد. عملیات طوفان الاقصی و مقاومت شهادت طلبانه مردم قهرمان غزه در برابر جنایات رژیم صهیونیستی، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات انسانی و سرآغاز مغلوبه شدن قدرت غرب و ان‌شالله آغاز شکست‌های آتی آنان خواهد بود.

- ۱- گارودی، محاکمه صهیونیسم اسرائیل، صص ۴۲-۴۱
- ۲- شاهاک، دولت نژادپرست اسرائیل، صص ۳۴-۳۷
- ۳- السویدان، دایره المعارف مصور تاریخ یهودیت و صهیونیسم، ص ۲۵۶
- ۴- نصیری حامد، روچیلد، خاندان، ص ۴۱۰
- ۵- نتشه و دیگران، تاریخ فلسطین الحدیث و المعاصر، ص ۱۳
- ۶- سجادی، پیدایش و تداوم صهیونیسم، ص ۵۰
- ۷- السویدان، دایره المعارف مصور تاریخ یهودیت و صهیونیسم، ص ۲۵۹
- ۸- زیدآبادی، دین و دولت در اسرائیل، ص ۱۲۸
- ۹- فیروزآبادی، کشف الاسرار صهیونیسم، ص ۲۹
- ۱۰- روز نکبت و جنایات صهیونیست‌ها از سال ۱۹۴۸ تا به الان، خبرگزاری فارس
- ۱۱- زیدآبادی، دین و دولت در اسرائیل، ص ۱۲۸
- ۱۲- چامسکی، مثلث سرنوشت‌ساز، ص ۱۳۰
- ۱۳- صفاتاج، ماجرای فلسطین و اسرائیل، صص ۱۴۹-۱۵۱
- ۱۴- جودکی و فلاحی سیف‌الدین، تشریح محورهای منازعه بین فلسطین و اسرائیل، ص ۴۴
- ۱۵- دهقانی، ادامه اشغال با شهرک‌سازی: ماهیت رژیم صهیونیستی اسرائیل، ص ۲
- ۱۶- صفاتاج، ماجرای فلسطین و اسرائیل، صص ۱۸۳-۱۸۰
- ۱۷- دهقانی، ادامه اشغال با شهرک‌سازی: ماهیت رژیم صهیونیستی اسرائیل، صص ۵-۸
- ۱۸- اسرائیل به دنبال تکمیل دیوار حائل، با وجود مخالفت‌های بین‌المللی، یورونیوز
- ۱۹- مروری بر تاریخ مبارزات مردمی فلسطین از ۱۹۶۷ تا ۲۰۲۲، وبگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی



اولین جلسه هماهنگی همایش مهدویت و انقلاب اسلامی
با حضور حضرات آیات دژکام و حدائق، دکتر ایمانیه استاندار محترم و دکتر رضایی
رئیس مجمع نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی



مراسم رونمایی از پوستر سومین همایش ملی مهدویت و انقلاب اسلامی
با حضور مدیر عامل و مدیران بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) کشور



کمیته علمی همایش مهدویت و انقلاب اسلامی با حضور نماینده محترم مقام معظم
رهبری در استان فارس و امام جمعه محترم شیراز، مدیر حوزه‌های علمیه استان
رئیس شورای سیاستگذاری ائمه جمعه و دبیر جشنواره علامه حلی
در مجتمع مهدویت و مهدیه بزرگ شیراز





نشست شورای سیاستگذاری فعالیت های مهدوی استان فارس
به همراه نشست خبری سومین همایش ملی مهدویت و انقلاب اسلامی



نشست شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان فارس
با محوریت برگزاری سومین همایش ملی مهدویت و انقلاب اسلامی





نشست مشترک همکاری و پیش همایش ملی مهدویت و انقلاب اسلامی
با مدیران موسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC)



جلسه مشترک با آقای دکتر اسدی شهردار محترم شیراز و معاونین ایشان
با محوریت پشتیبانی برگزاری سومین همایش ملی مهدویت و انقلاب اسلامی





جلسه مشترک با مدیر کل صدا و سیمای مرکز فارس و معاونین ایشان
با محوریت بررسی راهکارهای همکاری در جهت اطلاع رسانی سومین همایش ملی
مهدویت و انقلاب اسلامی



جلسه مشترک با آقای دکتر قانعی مدیر کل محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی استان
فارس با محوریت بهره گیری از ظرفیت های هنری و اجرایی آن اداره کل در برگزاری
سومین همایش ملی مهدویت و انقلاب اسلامی



نشست پیش همایش ملی مهدویت و انقلاب اسلامی
در اداره کل راهداری و حمل و نقل استان فارس





نشست پیش همایش ملی مهدویت و انقلاب اسلامی
با حضور طلاب و مبلغین برتر حوزه های علمیه استان فارس



پیش نشست «همایش ملی مهدویت و انقلاب اسلامی»
در آموزش و پرورش شیراز



نشست پیش همایش ملی مهدویت و انقلاب اسلامی
با حضور فعالین انجمن های اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی استان فارس





بازدید از دفاتر و شعب شهرستان های استان فارس





بازدید از دفاتر و شعب شهرستان های استان فارس





مراسم زنگ مهدویت به مناسبت آغاز امامت حضرت ولی عصر علیه السلام
با حضور امام جمعه محترم - شعبه فسا





برگزاری جشن های مهدوی، دعای ندبه، کلاس های آموزش معارف مهدویت و دیدار اعضای بنیاد با امام جمعه محترم - شعبه استهبان



هر قدمی که در راه استواری این انقلاب اسلامی
برمی داریم، یک قدم به ظهور حضرت مهدی (عج) نزدیک تر می شویم.
مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) برگزار می کند:
سومین همایش ملی

مَرْكُهُدِيَّةٌ وَوَرِيثَةٌ انقلاب اسلامی

THE THIRD NATIONAL CONFERENCE
MAHDAVIAT AND ISLAMIC REVOLUTION



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

قالب های ارائه آثار

رساله دکتری | پایان نامه ارشد
مقالات علمی | پژوهش های کاربردی

جوایز و هدایا

چاپ آثار برتر در نشریات علمی پژوهشی و کتاب اجلاس
به همراه گواهی شرکت در فراخوان
ISC
مجلس شورای اسلامی

راه های ارتباطی با دبیرخانه اجلاس

تهران / خیابان آیت الله طالقانی / میدان فلسطین
پلاک ۳۸۷
شیراز / کوی زهرا (سلام الله علیها) / نبش کوچه ۸
روبروی دبستان شهیدان اتحادی
۰۲۱۸۶۰۳۵۶۸۳
۰۷۱۳۷۲۷۴۶۴۹
سامانه پیامکی ۱۰۰۰۰۱۲

محورهای فراخوان

بارویکرد "تربیت اسلامی نسل منتظر"

الف) تعلیم و تربیت اسلامی و مهدویت با تاکید بر:
۱) پیوند فرهنگ انقلاب اسلامی و تعلیم و تربیت مهدوی
و اثر متقابل آنها
۲) مبانی، برنامه ها و روش های تعلیم و تربیت مهدوی
۳) آموزه های مهدوی و پرورش نسل منتظر در
سند تحول آموزش و پرورش

ب) انقلاب اسلامی و فرهنگ و اندیشه مهدوی با تاکید بر:
۱) رسالت و نقش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
در اجرای سند ملی مهدویت
۲) رسالت حوزه و دانشگاه در نشر معارف مهدوی
۳) ویژگی های تمدن مهدوی در آخر الزمان
۴) اندیشه های مهدوی ولی امر مسلمین و تمدن نوین اسلامی

پورتال ارسال مقالات و مشاهده ضوابط و شرایط آن

www.mahdaviat.ir

زمان و مکان برگزاری

یکشنبه ۱۵ بهمن ماه ۱۴۰۲

شیراز / تالار سعدی

مهلت ارسال مقالات

۱ بهمن ماه ۱۴۰۲

